



۱ مفهوم جمله کنایی عبارت زیر در کدام گزینه آمده است؟

"این بار سخت از جا دررفت و درست آمد کنار نیمکت من و چنین خطاب کرد: پاشو برو بیرون."

- | | |
|-------------------------------------|---|
| (۱) گفت بسیاری ولی سودی نداشت | (۲) خشمگین شد، زانکه بهبودی نیافت |
| (۲) شرمنده شد از باد سحر گلبن عریان | (۳) وز آب روان شرمش بر بود روانیش |
| (۳) عمر پیران کهن سال به سرعت گذرد | (۴) رو به پستی چو نهد آب، سبک جولان است |
| (۴) از آن مجلس چو برون رفت جمشید | (۵) ز خلوت خانه بیرون رفت خورشید |

تالیفی محسن اصغری

۲ بیت زیر، با همه ابیات قرابت مفهومی دارد، به جز:

"چون شیر به خود سپه شکن باش
فرزند خصال خوشتن باش"

- | | |
|----------------------------------|------------------------------------|
| (۱) پارسا باش و نسبت از خود کن | (۲) پارسا زادگی ادب نبود |
| (۲) چو کنعان را طبیعت بی هنر بود | (۳) پیمبرزادگی قدرش نیفزود |
| (۳) نباید کند جز که نام نکو | (۴) خردمند زین زیستن آرزو |
| (۴) هنر بنمای اگر داری نه گوهر | (۵) گل از خار است و ابراهیم از آزر |

کنکور سراسری ریاضی و فیزیک داخل ۱۳۹۶

قلمچی علوم تجربی دوازدهم آزمون شماره ۴ تابستان ۱۳۹۸

قلمچی علوم انسانی دوازدهم آزمون شماره ۴ تابستان ۱۳۹۸

۳ مفاهیم "وفاداری عاشق، ایثار و جان فشانی، درماندگی و بیچارگی، رهایی خواستن از عشق" به ترتیب در کدام ابیات دیده می شود؟

- | | |
|-------------------------------|-------------------------------|
| (الف) برداشته دل ز کار او بخت | (ب) درماند پدر به کار او سخت |
| (ب) دریاب که مبتلای عشقم | (ج) آزاد کن از بلای عشقم |
| (ج) گویند ز عشق کن جدایی | (د) این نیست طریق آشنایی |
| (د) از عمر من آنچه هست بر جای | (ه) بستان و به عمر لیلی افزای |

- | | |
|------------------|------------------|
| (۱) ج، ب، الف، د | (۲) ج، د، الف، ب |
| (۳) د، ج، الف، ب | (۴) د، ج، ب، الف |

تالیفی افشین محی الدین

- (۱) افسوس ز دست فلک شعبده باز شهزاده به ذلت و گدا زاده به ناز
- (۲) بدر آی ای حکیم فرزانه پر نشاید نشست در خانه
- (۳) چو با سفله گویی به لطف و خوشی فزون گرددش کبر و گردن کشی
- (۴) غافل بودن نه ز فرزنانگی است غافلی از جمله دیوانگی است

آزمایشی سنجش ریاضی و فیزیک چهارم مرحله دوم ۱۳۹۳

مفهوم کدام بیت با عبارت شعری زیر قرابت دارد؟

"هنگامی که / در فروتنی / بزرگ باشیم / بیش از همه به آن بزرگ نزدیک شده ایم."

- (۱) بی مغز بود سر که نهادیم پیش خلق دیگر فروتنی به در کبریا کنیم
- (۲) سعدی چو سروری نتوان کرد لازم است با سخت بازوان به ضرورت فروتنی
- (۳) ز خاک آفریدت خداوند پاک پس ای بنده افتادگی کن چو خاک
- (۴) فروتنی به خدا زودتر کند نزدیک که زود قطع شود راه، چون سرازیر شود

تالیفی محسن اصغری

قلمچی علوم انسانی دوازدهم آزمون شماره ۱۹ ۱۳۹۹

قلمچی علوم تجربی دوازدهم آزمون شماره ۱۹ ۱۳۹۹

قلمچی ریاضی و فیزیک دوازدهم آزمون شماره ۱۹ ۱۳۹۹

همه ابیات به جز با بیت زیر تناسب معنایی دارند.

"به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم

- (۱) رقیبم سرزنش ها کرد کز این باب رخ برتاب
 - (۲) در جمع خوبان بوده ام، گر بر تنی عاشق شدم
 - (۳) اگر در پایت افکندم سری، عییم مکن، کانجا
 - (۴) وقت ضرورت چو نماد گریز
- بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا"
- چه افتاد این سر ما را که خاک در نمی آرد
- عییم مکن، ای پارسا، در کافرستان بوده ام
- چنان بودم که از مستی ز سر نشناختم پا را
- دست بگیرد سر شمشیر تیز

مدارس برتر ایران علوم تجربی چهارم آزمون شماره ۷ ۱۳۹۴

مدارس برتر ایران ریاضی و فیزیک چهارم آزمون شماره ۷ ۱۳۹۴

همه ابیات با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؛ به جز:

"ز رخسارش فرومی ریخت اشکی

- (۱) زندگانی نتوان گفت حیاتی که مراست
 - (۲) دل بر جهان منه که جهان را ثبات نیست
 - (۳) دل من بی تو جهانی است پُر از فتنه و شور
 - (۴) چو صبح هم نفس مهر آفتابی باش
- بنای زندگی بر آب می دید"
- زنده آن است که با دوست وصالی دارد
- تکیه مکن بر اوی و بهش باش زینهار
- بده آن باده نوشین که جهان بر باد است
- مزن به هرزه نفس زان که زندگی نفسی است

کنکور سراسری علوم انسانی خارج از کشور ۱۳۹۸

از آسمان تاج بارد اما بر سر آن‌کس که سر فرو آرد.

- (۱) در آستان جانان گر سر توان نهادن گلبانگ سربلندی بر آسمان توان زد
- (۲) دست همت به سر زلف بلندی زده‌ام که به هر تار وی افتاده گرفتاری چند
- (۳) تواضع سر رفعت افرازدت تکبر به خاک اندر اندازدت
- (۴) ز خاک آفریدت خداوند پاک پس ای بنده افتادگی کن چو خاک.

تالیفی محسن فدایی

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- (۱) اندر این ره تکیه بر خود کن که مرد صید آهو با سگ کوری نکرد
- (۲) "صائب" مرا به نامه‌بران نیست اعتماد خود می‌برم به خدمت جانان پیام خویش
- (۳) بر عزم خویش تکیه کن ار سالک رهی واماند آن‌که تکیه کند بر عصای خویش
- (۴) تو را تکیه ای جان من بر عصاست دگر تکیه بر زندگانی خطاست

تالیفی محسن اصغری

کدام گزینه با "به ترتیبی نهاده وضع عالم

که نی یک موی باشد بیش و نی کم" تناسب مفهومی دارد؟

- (۱) خیز بر کِلک آن نقّاش، جان‌افشان کنیم کاین همه نقش عجب در گردش پرگار کرد (کِلک: قلم)
- (۲) دور فلکی یکسره بر منهج عدل است خوش باش که ظالم بُرد راه به منزل
- (۳) حدیث از مطرب و می گوی و راز دهر کمتر جو که کس نگشود و نگشاید به حکمت این معما را
- (۴) گر اهل معرفتی هرچه بنگری خوب است که هرچه دوست کند همچو دوست محبوب است

تالیفی ابوالفضل غلامی

مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- (۱) عشق در معشوق فانی گشتن است مردن او را زندگانی گشتن است
- (۲) حال دل سوخته عشق کسی می‌داند که به دل داغ تو را در عوض مرهم زد
- (۳) حال ما راهروان آبله‌پا می‌داند که نفس سوخته در ریگ روان افتاده است
- (۴) غم دل با تو نگویم که تو در راحت نفس شناسی که جگر سوختگان در المند

کنکور سراسری علوم تجربی داخل ۱۳۹۸

- (۱) آن کلاه نامرادی بر سر دانا نهاد این قبای کامرانی در بر نادان نهاد
(۲) دانا بماند در غم تدبیر روزی‌اش یک‌ذره غم به خاطر نادان نمی‌رسد
(۳) خلوت دل نیست جای صحبت اضداد دیو چو بیرون رود فرشته درآید
(۴) ای‌دریغا لباس علم و هنر ای‌دریغا متاع فضل و ادب

تالیفی سیده سودابه رضازاده بایی

مفهوم نوشته‌شده در مقابل کدام عبارت، نادرست است؟

- (۱) آقایان محترم! علما! روحانیون حوزه‌ها! با مغزهایتان با حکومت طرف شوید، با قلب‌هایتان با خدا! (دعوت به عقلانیت محض در زندگی)
(۲) اینجا، به هیچ قیمت نشکنید؛ آنجا شکسته و خمیرشده باشید. (اظهار عجز و خاکساری در برابر خداوند)
(۳) اینجا، همه‌اش در پرده بمانید؛ اما آنجا، با قلب‌هایتان، با خلوصتان با خدا روبه‌رو شوید. (داشتن خلوص قلب در پیشگاه خداوند)
(۴) اینجا، حساب کنید، بسنجید، چرتکه بیندازید؛ چراکه با چرتکه‌اندازان بدنهاد روبه‌رو هستید. (دعوت به عقلانیت سیاسی در مواجهه با دشمن)

تالیفی سیدمحمد موسوی

کدام گزینه مفهومی متفاوت با سایر گزینه‌ها دارد؟

- (۱) قیاس عقل تا آنجاست بر کار که صانع را دلیل آرد پدیدار
(۲) عقل چون اجد حق از بر کرد جامهٔ باطل از سرش بر کرد (ابجد: الفبا)
(۳) خرد را گر نبخشد روشنایی بماند تا ابد در تیره رایی
(۴) ای عقل مرا کفایت از تو جستن ز من و هدایت از تو

تالیفی ابوالفضل غلامی

کدام ابیات با ابیات زیر تناسب مفهومی دارند؟

- "بیا عاشقی را رعایت کنیم ز یاران عاشق حکایت کنیم
از آن‌ها که خونین سفر کرده اند سفر بر مدار خطر کرده اند"
الف) تو را اگرچه ز امثال ما ملال گرفت گرفت بی تو مرا از حیات خویش ملال
ب) غوطه زد حلاج در خون، این کمان را تا کشید چون کند زه هر گران جانی کمان عشق را؟
ج) کی برگتم دل از رخ جانان که مهر او با شیر در دل آمد و با جان به در شود
د) آتشم در جان گرفت از عود خلوت سوختن توبه‌کارم توبه‌کار از عشق پنهان باختن
ه) در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست با جان بودن به عشق در سامان نیست

- (۱) ه - ب (۲) ب - د
(۳) ج - ه (۴) ب - ج

تالیفی ابوالفضل غلامی

- (۱) ز راه جذبۀ توفیق، سالک می‌شود واصل
- (۲) تا نگردد جذبۀ توفیق صائب دستگیر
- (۳) معنی توفیق غیر از همت مردانه چیست؟
- (۴) مگر فلاخن توفیق دست من گیرد
- به بال کهربا پرواز گیرد برگ کاه اینجا
- از گل تعمیر، پای خود کشیدن مشکل است
- انتظار خضر بردن ای دل فرزانه چیست؟
- که همچو سنگ نشانم به‌جا گذاشته‌اند

تالیفی حسن وسکری

قلمچی علوم تجربی یازدهم آزمون شماره ۵ ۱۳۹۹

"اگر لطفش قرین حال گردد همه ادبارها اقبال گردد"

- (۱) اقبال تو می‌دهد ز ادبار نجات
- (۲) مرا بار لطفش دوتا کرد پشت
- (۳) در آن موقف که لطفش روی پیچ است
- (۴) چون کمان گرچه کج نماید کار
- تنگ آمدم از نکبت افیون، ساقی
- به شمشیر احسان و فضلم بکشت
- همه تدبیرها هیچ است، هیچ است
- هم ز لطف خدا چو تیر شود

تالیفی کاظم کاظمی

قلمچی علوم انسانی دوازدهم آزمون شماره ۶ ۱۴۰۰

قلمچی علوم تجربی دوازدهم آزمون شماره ۶ ۱۴۰۰

قلمچی ریاضی و فیزیک دوازدهم آزمون شماره ۶ ۱۴۰۰

- (۱) گرچه دشوار بود کار و برومندی
- (۲) در همت مردانه اگر کوتاهی نیست
- (۳) سالک راه به منزل برسد آخر کار
- (۴) شب‌نم خود را به همت می‌برم بر آسمان
- همت و کارشناسی کند آسانش
- مگریز از آن کار که دشوار نماید
- همت پیر طریقت اگرش همراه است
- در کمین جذبۀ خورشید تابان نیستم

تالیفی محسن اصغری

قلمچی علوم انسانی دوازدهم آزمون شماره ۲۰ ۱۳۹۹

قلمچی علوم تجربی دوازدهم آزمون شماره ۲۰ ۱۳۹۹

قلمچی ریاضی و فیزیک دوازدهم آزمون شماره ۲۰ ۱۳۹۹

مفهوم عبارت "حالی صواب آن باشد که جمله به طریق تعاون قوتی کنید تا دام از جا برگیریم که ره‌ایش ما در آن است." از کدام گزینه دورتر است؟

- (۱) اتفاق دوستان باهم دعای جوشن است
- (۲) حسنت به اتفاق ملاحه جهان گرفت
- (۳) دو دوست باهم اگر یک دلند در همه کار
- (۴) معنی یک بیت بودیم از طریق اتحاد
- سختی از دوران نبیند دانه تا در خرمن است
- آری به اتفاق جهان می‌توان گرفت
- هزار طعنه دشمن به نیم‌جو نخرند
- چون دو مصرع گرچه در ظاهر جدا بودیم ما

تالیفی سیدمحمد موسوی

- (۱) کارهایی که درش بسته تقدیر بود
 - (۲) آنچه سعی است من اندر طلبت بنمایم
 - (۳) هر ذره را به قدر طلب نور داده‌اند
 - (۴) عصیان خلائق از چه صحرا صحراست
- چو تو تدبیر کنی در بگشاید یزدان
- آن قدر هست که تغییر قضا نتوان کرد
- در کار خویش شب‌پره را آفتاب گیر
- در پیش عنایت تو یک برگ گیاست

تالیفی افشین محی الدین

کدام بیت، با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

- "به حرص از شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم"
- بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا"
- (۱) تشنگان را نماید اندر خواب
 - (۲) چون سگ دژنده، گوشت یافت نپرسد
 - (۳) روز صحرا و سماع است و لب جوی و تماشا
 - (۴) ملحد گرسنه در خانه خالی برخوان
- همه عالم به چشم چشمه آب
- کاین شتر صالح است یا خر دجال
- در همه شهر دلی نیست که دیگر برایی
- عقل باور نکند کز رمضان اندیشد

کنکور سراسری علوم انسانی خارج از کشور ۱۳۹۸

کدام بیت با عبارت زیر قرابت مفهومی دارد؟

- "نخست از آن یاران گشای و می‌ترسم که اگر از گشادن عقده‌های من آغاز کنی، ملول شوی و بعضی از ایشان در بند بمانند."
- (۱) خلاص ما ز اسیری مباد تا به ابد
 - (۲) عالمی را از تو پند است که در بند خودی
 - (۳) هست به یاد دوستان زندگی و حیات من
 - (۴) چشم من نیست به آسودگی خود "صائب" هست در راحت احباب مرا راحت خویش
- اگر مراد تو ای دوست در اسیری ماست
- تا به کی بهر خلاص دگران گویی پند
- گرچه ز دوستان کسی یاد ز من نمی‌کند

تالیفی کاظم کاظمی

کدام گزینه با "هر خسته که جان پیش سنان تو سپر ساخت

هم زخم سنان تو کند مرهم جانش" تناسب ندارد؟

- (۱) زخم از مرهم گوارتر بود بر عارفان
 - (۲) دست ارباب مرّوت در حنای غفلت است
 - (۳) مرهم داغ من تشنه جگر زخم بود
 - (۴) ما سبک روحان حریف ناز مرهم نیستیم
- رخنه در زندان بود از نقش به، محبوس را
- زخم ما را خون گرم ما مگر مرهم شود
- بخیه زخم من بی‌سروسامان داغ است
- دوست می داریم زخمی را که از جان بگذرد

تالیفی ابوالفضل غلامی

- (۱) سخن را به میزان دانش بسنج که گفتار بی‌علم باد است و دم
- (۲) هرکه می‌خواهد که باشد در شمار عاقلان لب فروبندد مگر وقتی که باید دم زدن
- (۳) تا نیک ندانی که سخن عین صواب است باید که به گفتن دهن از هم نگشایی
- (۴) ز دانش چو جان تو را مایه نیست به از خاموش هیچ پیرایه نیست

تالیفی سیدمحمد موسوی

"وی در کوه ساکن شده است؟ بس کاری نباشد. مرد باید در میان بازار مشغول تواند بود. چنان‌که یک‌لحظه از حق‌تعالی غایب نشود."

- (۱) وُزت جاه و مال است و زرع و تجارت چو دل با خدای است، خلوت‌نشینی
- (۲) در صحبت خلق جز پریشانی نیست کنجی بنشین و جز قناعت مطلب
- (۳) گوشه گرفتم ز خلق فایده‌ای نیست گوشه‌چشم، بلای گوشه‌نشینی است
- (۴) گفت‌وگوی حق دریغ از حق‌پرستان داشتن یوسف بی‌جرم را محبوس زندان کردن است

تالیفی سیدمحمد موسوی

- (۱) پیش از آن کادم نبود و نام آدم کس نبرد در دماغ عاشقان بوده است از این سودا خمار
- (۲) هر آن نصیبی که پیش از وجود نهاده است هر آن‌که در طلبش سعی می‌کند، باد است
- (۳) زان پیش کاتصال بود خاک و آب را عشق تو خانه ساخته بود این خراب را
- (۴) آفتابی در ازل خوش سایه‌ای بر ما فکند تا ابد روشن بود این روی مه‌سیمای ما

تالیفی محسن اصغری

"بگذار بر پشت زین خود معتبر بمانم / بگذار سرخوش و سرمست به دوردست‌ها بروم / و بر فراز سرم هیچ جز اختران نبینم."

- (۱) گرچه در کلبه خلوت بودم نور حضور هم سفر به که نمانده است مجال حصرم
- (۲) صافی دل خواهی از سیروسفر غافل مباش تختۀ مشق کدورت از سکون می‌گردد آب
- (۳) فریاد که جز اشک شب و آه سحرگاه اندر سفر عشق مرا همسفری نیست
- (۴) چو ماکیان به در خانه چند بینی جور؟ چرا سفر نکنی چون کبوتر طیار

تالیفی ابوالفضل غلامی

- (۱) می‌فشانند بر مراد هر دو عالم آستین بی‌نیازی هرکه را "صائب" توانگر می‌کند
گرت نُرْهت همی باید به صحرای قناعت شو که آنجا باغ در باغ است و خوان در خوان و با در با (با: آش)
- (۲) در شب قدر از صبحی کرده‌ام عییم مکن سرخوش آمد یار و جامی برکنار طاق بود
به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا
- (۳) رضا به داده بده وز جبین، گره بگشای که بر من و تو در اختیار نگشاده است
تو کارخویش به فضل خدای کن تفویض به روز نکبت و دولت که کار، کار خداست
- (۴) زاهدان را زهد و ما را عشق خوبان شد نصیب هرکسی را در ازل، خود آنچه قسمت بود، داد
زاهدان را ترک دنیا نیست از آزادگی سگّه از بهر روایی، پشت بر زر می‌کند

مدارس برتر ایران علوم تجربی چهارم آزمون شماره ۷ ۱۳۹۵

مدارس برتر ایران ریاضی و فیزیک چهارم آزمون شماره ۷ ۱۳۹۵

کدام گزینه با "کمال عقل آن باشد در این راه که گوید نیستم از هیچ آگاه" تناسب ندارد؟

- (۱) ای خرد در راه تو طفلی به شیر گم شده در جست‌وجویت عقل پیر
(۲) از نور خرد کس نرسیده است به‌جایی این عقل چراغی است که بر خانه حرام است
(۳) هیچ‌کس را به گنه او ره نیست عقل و جان از کمالش آگه نیست
(۴) ذات او را نبرده ره ادراک عقل را جان‌ودل در آن ره چاک

تالیفی ابوالفضل غلامی

کدام بیت با مفهوم آیه زیر تناسب ندارد؟

{إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ}

- (۱) چند کشند اهل دل بار بلای آسمان خود به کران نمی‌رسد جور و جفای آسمان
(۲) آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه کار به نام می‌دیوانه زدند
(۳) بر دوش من افکند فلک بار امانت زان چرخ‌زنان است که این بار ندارد
(۴) نداشت طاقت این بار آسمان و زمین ظلوم ماست که شد عامل امانت عشق

تالیفی کاظم کاظمی

"رزق هرچند بی‌گمان برسد / شرط عقل است جستن از درها"

- ۱) گر کند آفاق را چون صبح از احسان روسفید / نیست جز گرد کدورت رزق من زین آسیا
- ۲) سعی در رزق کسان دل را منور می‌کند / کم بود دل‌های شب بی شمع بالین آسیا
- ۳) بی‌تردد، دامن روزی نمی‌آید به دست / می‌کند با کاهلان این نکته تلقین آسیا
- ۴) پوچ سازد مغزها را چرخ تا روزی دهد / باشد از ریزش فزون آوازه این آسیا

کنکور سراسری علوم انسانی داخل ۱۳۹۸

کدام گزینه با عبارت "جوانی که با آتش درون، پیوسته در مخاطره سوختن بود." تناسب مفهومی دارد؟

- ۱) در کرشمه غمزه غمازه‌ای / در دلم افکند داغ تازه‌ای
- ۲) آتشی در دلم افتاده که از شعله او / همه جان و تنم در خطر سوختن است
- ۳) تنم از واسطه دوری دلبر بگداخت / جانم از آتش مهر رخ جانانه بسوخت
- ۴) در دلم عشقت آتشی افکند / که نه پیدا بود از او دودی

تالیفی سیدمحمد موسوی

بیت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

"کمال عقل آن باشد در این راه / که گوید نیستم از هیچ آگاه"

- ۱) جامه‌ای پهن تر از کارگه امکانی / لقمه‌ای بیشتر از حوصله ادراکی
- ۲) کجا عقل یا شرع فتوی دهد / که اهل خرد، دین به دنیا دهد؟
- ۳) تا مرا از تو آگهی دادند / به وجودت گر از خود آگاهم
- ۴) به گرد همتش ادراک آدمی نرسد / که فهم برنتواند گذشتن از کیوان

تالیفی ابوالفضل غلامی

در کدام بیت، به فرجام ضحاک اشاره شده است؟

- ۱) گسسته شد از خویش و پیوند، او / بمانده بدان گونه در بند، او
- ۲) یکی تیغ هندی بزد بر سرش / ز تارک به دونیم شد تا برش
- ۳) سرش را بریده به زار اهرمن / تنش را شده کام شیران کفن
- ۴) برو تاخن کرد ناگاه مرگ / نهادش به سر بر یکی تیره‌ترگ

کنکور سراسری علوم انسانی داخل ۱۳۹۸

- (۱) چون پریشان سفران خرج بیابان نشوند رهروانی که به یک راهنما ساخته‌اند
- (۲) ما را به کعبه جاذبه شوق می‌برد دل بی سبب به راهنما بسته‌ایم ما
- (۳) سالکان بی نظر پیر به جایی نرسند رشته بی دیده سوزن ره خوابیده بود
- (۴) خس و خاشاک به دریا نرسد بی سیلاب سر فدای قدم راهبری باید کرد

تالیفی محسن اصغری

"کدام دانه فرورفت در زمین که نرست چرا به دانه انسانیت این گمان باشد"

- (۱) تنگی صحرای امکان مانع جمعیت است جمله باهم در فضای لامکان گردند جمع
- (۲) به تشویش قیامت در که یار از یار بگریزد محب از خاک برخیزد محبت همچنان دارد
- (۳) در بهار بی خزان حشر با صد شاخ و برگ سبز خواهد گشت هر تخمی که در گل کرده‌اند
- (۴) چه قیامت است جانا که به عاشقان نمودی دل و جان فدای رویت بنما عذار ما را

تالیفی مرتضی کلاشلو

- (۱) بجنبید رهام زان رزمگاه برون تاخت اسب از میان سپاه
- (۲) بزرگان ایران گشاده دل‌اند تو گویی که آهن همی بگسلند
- (۳) بدو داد شاه اختر کاویان بر آن سان که بودی به رسم کیان
- (۴) به رزم اندرون کشته شد اشکبوس وزو شادمان شد دل گوی و طوس

کنکور سراسری ریاضی و فیزیک داخل ۱۳۹۴

قلمچی علوم تجربی دوازدهم آزمون شماره ۸ تابستان ۱۳۹۸

قلمچی علوم انسانی دوازدهم آزمون شماره ۸ تابستان ۱۳۹۸

- (۱) رزق ما بی دست و پایان بی طلب خواهد رساند در رحم آن کس که روزی را مهیا کرده است
- (۲) تا دهن باز است روزی می‌رسد از خوان غیب عقد دندان‌ها کلید رزق را دندان است
- (۳) خانه در بسته سنگ راه روزی خواره نیست می‌رسد چون لعل از خورشید انور رزق ما
- (۴) قفل روزی در جوانی بستگی هرگز نداشت ریخت تا دندان کلید رزق را دندان ریخت

تالیفی افشین محی الدین

بیت زیر سرودهٔ سعدی است که با قطعه تناسب معنایی دارد.
 "رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت"

- (۱) گریه کنی اگر / که آفتاب را ندیده‌ای / ستاره‌ها را هم / نمی‌بینی
- (۲) ممکن / از ناممکن می‌پرسد: "خانه‌ات کجاست؟" / پاسخ می‌آید: / "در رؤیای یک ناتوان"
- (۳) ماهی در آب خاموش است و / چارپا روی خاک هیاهو می‌کند و / پرنده در آسمان آواز می‌خواند. / آدمی، / اما / خاموشی دریا و / هیاهوی خاک و / موسیقی آسمان را در خود دارد.
- (۴) هنگامی که / در فروتنی، / بزرگ باشیم / بیش از همه به آن بزرگ نزدیک شده‌ایم.

تالیفی محسن فدایی

مفهوم کدام گزینه با مفهوم سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) دانند جهانیان که در عشق اندیشهٔ عقل معتبر نیست
- (۲) ای عقل نگفتم که تو در عشق نگنجی در دولت خاقان نتوان کرد خلافت
- (۳) سوار عقل که باشد که پشت ننماید؟ در آن مقام که سلطان عشق روی نمود
- (۴) "صائب" ز اهل عقل شنیدن حدیث عشق اوصاف یوسف از لب اخوان شنیدن است

تالیفی افشین محی الدین

کدام بیت، "فاقد" مفهوم بیت زیر است؟

- "یک بار هم ای عشق من از عقل میندیش
- بگذار که دل حل بکند مسئله‌ها را"
- (۱) در کارگاه عشق است تدبیر عقل بیکار طوفان نمی‌کند گوش تعلیم ناخدا را
 - (۲) عقل گوید که از عالم وحدت مگذر که بسی دوست‌نما دشمن بدخواه بود
 - (۳) نقد جان بر سر سودای جنون باخته‌ایم ایمن از وسوسهٔ عقل زیان‌کار شدیم
 - (۴) به زور عقل گذشتن ز خود میسر نیست مگر بلند شود دست و تازیانهٔ عشق

کنکور سراسری ریاضی و فیزیک داخل ۱۳۹۸

کدام گزینه با "چه از تیر و چه از تیغ، شما روی نتابید

که در جوشن عشقید که از کرب و بلاید" تناسب دارد؟

- (۱) هرچه رنگ یار دارد نور چشم عاشق است خوش‌تر است از خُردهٔ جان، هر شرر، پروانه را
- (۲) نباشد غیر کوه غم که افشوده است پا در دل در این وحشت سرا گر هم‌زبانی هست عاشق را
- (۳) عاشق صادق نمی‌گرداند از بیداد، روی صبح از خورشید می‌گیرد به دندان، تیغ را
- (۴) از تیغ آبدار نترسند پُردلان از چارموجه نیست محابا نهنگ را

تالیفی ابوالفضل غلامی

- (۱) خویشان همه در نیاز با او هریک شده چاره‌ساز با او
بیچارگی ورا چو دیدند در چاره‌گری زبان کشیدند
- (۲) پروردهٔ عشق شد سرشتم جز عشق مباد سرنوشتم
کز عشق به غایتی رسانم کاو ماند اگرچه من نمانم
- (۳) گو یارب از این گزاف‌کاری توفیق دهم به رستگاری
گرچه ز شراب عشق مستم عاشق‌تر از این کنم که هستم
- (۴) می‌گفت گرفته حلقه در بر کامروز منم چو حلقه بر در
دانست که دل اسیر دارد دردی نه دواپذیر دارد

تالیفی افشین محی الدین

- (۱) عشق تو تا حلقه‌ای کشید به گوشم گوش مرا کی سر شنیدن پند است؟
- (۲) هر دل که شد به گوشهٔ چشم وی آشنا یک‌سو نهاد گوش نصیحت پذیر را
- (۳) با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست
- (۴) به شادکامی دشمن کسی سزاوار است که نشنود سخن دوستان نیک‌اندیش

تالیفی ابوالفضل غلامی

"گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد"

- (۱) سخاوت مال را از دیدهٔ بدبین نگه دارد به از دلجویی موران سپندی نیست خرمن را
- (۲) گذشتن از سر گنج گهر سخاوت نیست کریمی از سر آوازهٔ کرم برخی‌ز
- (۳) نقصان نکند هیچ‌کس از جود و سخاوت در خوشه رسیدیم گر از دانه گذشتیم
- (۴) نام باقی در زوال مال فانی بسته است کز سخاوت بر زبان‌ها نام حاتم مانده است

تالیفی کاظم کاظمی

- (۱) بشد رستم و شاه بنشست شاد جهان کرد روشن به آیین و داد
- (۲) به یک زخم زو دو سر افکند خوار به یک ره بدان تیغ جوشن گذار
- (۳) بیوشید رستم سلیح نبرد چو پیل ژیان شد که برخاست گرد
- (۴) ز نیروی رستم ز بالای او بینداخت یک ران و یک پای او

مدارس برتر ایران علوم تجربی چهارم آزمون شماره ۸ ۱۳۹۵

مدارس برتر ایران ریاضی و فیزیک چهارم آزمون شماره ۸ ۱۳۹۵

- (۱) سال‌ها چون سنگ بودی دلخراش
آزمون را یک زمانی خاک باش
- (۲) چون شیر به خود سپه‌شکن باش
فرزند خصال خویشان باش
- (۳) در آزمودن تو گرچه روزگارم رفت
چو روزگار به هر آزمودنی بتری
- (۴) چون دید هیچ نیست فکندش به خاک و رفت
زین سانش آزمودا چه نیک آزمودنی

تالیفی حسن وسکری

قلمچی علوم انسانی یازدهم آزمون شماره ۴ ۱۳۹۹

قلمچی ریاضی و فیزیک یازدهم آزمون شماره ۴ ۱۳۹۹

"دردی است غیر مردن کان را دوا نباشد" پس من چگونه گویم کاین درد را دوا کن

- (۱) چاره درد "هلالی" است بلای غم عشق
عشق را درد مگویی که بلایی بودست
- (۲) اشک خونین بنمودم به طبیبان گفتند
درد عشق است و جگرسوز دواپی دارد
- (۳) به درد عشق بساز و خوش کن حافظ
رموز عشق مکن فاش پیش اهل عقول
- (۴) خدای پهلوی هر درد دواپی بنهاد
چو درد عشق قدیمست ماند بی ز دوا

تالیفی مرتضی کلاشلو

- (۱) بریده سر و تئش بر دار کرد
دو پایش ز بر سر نگونسار کرد
- (۲) به اژه‌ش سراسر به دو نیم کرد
جهان را از او پاک بی‌بیم کرد
- (۳) به چاه اندر افتاد و بشکست پست
شد آن نیکدل مرد یزدان‌پرست
- (۴) گسسته شد از خویش و پیوند، او
بمانده بدان گونه در بند، او

کنکور سراسری زبان داخل ۱۳۹۵

قلمچی علوم تجربی دوازدهم آزمون شماره ۵ تابستان ۱۳۹۸

قلمچی علوم انسانی دوازدهم آزمون شماره ۵ تابستان ۱۳۹۸

"شرق از آن خداست / غرب از آن خداست / و سرزمین‌های شمال و جنوب نیز / آسوده در دستان خداست"

- (۱) مُبدع هر چشمه که جودیش هست
مخترع هرچه وجودیش هست
- (۲) آسمان و زمین و کل وجود
جمله باشد از آن حی و دود
- (۳) بودونبود آنچه بلند است و پست
باشد و این نیز نباشد که هست
- (۴) همه آفریده است بالا و پست
تویی آفریننده هرچه هست

تالیفی ابوالفضل غلامی

- (۱) از حسن اتفاق مگر بر هدف خورد تیر هوایی که نباشد نشانه‌اش
- (۲) به اتحاد گرایید و سیل را نگرید که هیچ نیست به جز قطره قطره‌های مَطَر
- (۳) به راه سعی و عمل باهم اتفاق کنیم که ایمنند رهروان ز هر خطری
- (۴) که موران چون به گرد آیند بسیار به تنگ آید روان در حلق ضیغم (شیر)

تالیفی کاظم کاظمی

مفهوم کدام گزینه متفاوت با دیگر گزینه‌ها است؟

- (۱) به نور عقل نبردیم ره ز خود بیرون مگر ستاره دیگر ز آسمان تابد
- (۲) یکی را به سر برنهد تاج بخت یکی را به خاک اندر آرد ز تخت
- (۳) سری کز تو گردد بلندی گرای به افکندن کس نیفتد ز پای
- (۴) گلستان کند آتشی بر خلیل گروهی به آتش برد ز آب نیل

مدارس برتر ایران علوم انسانی یازدهم آزمون شماره ۱ ۱۳۹۷
 مدارس برتر ایران علوم تجربی یازدهم آزمون شماره ۱ ۱۳۹۷
 مدارس برتر ایران ریاضی و فیزیک یازدهم آزمون شماره ۱ ۱۳۹۷

مفهوم کلی کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- (۱) بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
- (۲) ای آفتاب حُسن، برون آ، دمی ز ابر کان چهره مشعشع تابانم آرزوست
- (۳) یعقوب‌وار واسفاها همی‌زنم دیدار خوب یوسف کنعانم آرزوست
- (۴) زین هم‌رهان سست‌عناصر دلم گرفت شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

تالیفی سیدمحمد موسوی

کدام گزینه با عبارت زیر تناسب مفهومی ندارد؟

"هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبه ایمان وصل بود که خوب و بد را به‌عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت."

- (۱) در ملک بی‌زوال رضا انقلاب نیست "صائب" یکی است فصل خزان و بهار ما
- (۲) پیش آن‌کس که به تسلیم و رضا تن درداد لذت نیشکر و تیر قضا هر دو یکی است
- (۳) قضا به هرچه اشارت کنی مطیع شود قدر به هرچه رضا باشد رضا دارد
- (۴) عنان به دست قضا ده که موج را دریا به یک تپانچه کف بی‌اراده می‌سازد

تالیفی کاظم کاظمی

- (۱) سخن چو گویی سنجیده گوی در مجلس که از کلام نسنجیده خوار گردد مرد
- (۲) سخن شیرازۀ اوراق عمر بی وفا باشد ز پا هرگز نیفتد هرکه دامن سخن دارد
- (۳) سخن بشناس و آنکه گو ازیرا که بی نقطه نگردد خط پرگار
- (۴) سخن از پختگی گو نی ز خامی اگرچه پخته و هم ناتمامی

تالیفی محسن اصغری

- (۱) اگر در پایت افکندم سری عییم مکن کانجا چنان بودم که از مستی ز سر نشناختم پا را
- (۲) مکن به چشم حقارت نگاه در من مست که نیست معصیت و زهد بی مشیت او
- (۳) می خور که عاشقی نه به کسب است و اختیار این موهبت رسید ز میراث فطرتم
- (۴) من جهد همی کنم قضا می گوید بیرون ز کفایت تو کاری دگرست

مدارس برتر ایران علوم تجربی چهارم آزمون شماره ۸ ۱۳۹۴

مدارس برتر ایران ریاضی و فیزیک چهارم آزمون شماره ۸ ۱۳۹۴

"دو برادری مثل علم یزید می مانید؛ می خواهید بروید آسمان شوربا بیاورید."

- (۱) خشونت
- (۲) بی بندوباری
- (۳) قد بلند
- (۴) پرخوری

تالیفی محسن اصغری

"گرت باید که طایران فلک زیر پرت بپروند به ناز؛
هرچه جز "لا اله الا الله" همه در قعر بحر "لا" انداز"

- (۱) روح را خاک نتواند مبدل به غبارش سازد زیرا هر دم به تلاش است تا که فرارود
- (۲) بگذار بر پشت زین خود معتبر بمانم تو در کلبه و خیمه خود بازمان
- (۳) او اختران را در آسمان نهاده تا به بر و بحر نشانمان باشند / تا نگه به فرازها دوزیم
- (۴) اگر فکر و حواسم این جهانی است بهره ای والاتر از بهر من نیست

تالیفی ابوالفضل غلامی

- (۱) شاخ بالا زان رود زیرا ز بالا آمده است
 - (۲) نگارینا به وصل خود دمی ما را ز ما بستان
 - (۳) چون بوم بدخبر مفکن سایه بر خراب
 - (۴) گفتی مرا که چونی در دامگاه دنیا
- سوی اصل خویش یازم کاصل را بشناختم
دل ما را به آن بالا ز دست این بلا بستان
در اوج سدره کوش که فرخنده طایری
مرغابی فلک را در خاکدان چه خوشی؟

تالیفی افشین محی الدین

- (۱) عارف امروز به ذوقی بر شاهد بنشست
 - (۲) زن و فرزند و مال و جاه بگذاشت
 - (۳) طریقت جز این نیست درویش را
 - (۴) داروی درد شوق را با همه علم عاجزم
- که دل زاهد از اندیشه فردا برخاست (تضاد تشرع و عرفان)
به کلی دل ز مهر غیر برداشت (وارستگی)
که افکنده دارد تن خویش را (قناعت و درویشی)
چاره کار عشق را با همه عقل جاهلم (تقابل عشق و عقل)

مدارس برتر ایران علوم تجربی چهارم آزمون شماره ۱۳۹۶ ۷

مدارس برتر ایران ریاضی و فیزیک چهارم آزمون شماره ۱۳۹۶ ۷

- "به ترانه‌های شیرین به بهانه‌های زرین
بکشید سوی خانه مه خوب خوش لقا را"
- (۱) یک‌لحظه دیدن رخ جانانم آرزوست
 - (۲) ناگهان گر سوی آن ماه گذاری بکنید
 - (۳) آن‌که بی‌جرم برنجید و به تیغم زد و رفت
 - (۴) جان می‌سپرد از غم هجران تو خسرو
- یکدم وصال آن مه خوبانم آرزوست
بر شما باد که از حالت من یاد آرید
بازش آرید خدا را که صفایی بکنیم
روزی خبر عاشق مسکین به من آرید

تالیفی مرتضی کلاشلو

- (۱) بلند آن سر که او خواهد بلندش
 - (۲) کمال عقل آن باشد در این راه
 - (۳) اگر توفیق او یکسو نهد پای
 - (۴) در نایسته احسان گشاده است
- نژند آن دل که او خواهد نژندش (عزت و ذلت به دست خداست)
که گوید نیستم از هیچ آگاه (عجز عقل از درک خداوند)
نه از تدبیر کار آید نه از رای (همراهی توفیق الهی با تدبیر انسانی)
به هرکس آنچه بایست داده است (عادلانه بودن نظام جهان)

تالیفی ابوالفضل غلامی

کدام گزینه با عبارت زیر تناسب معنایی دقیق‌تری دارد؟
"در هنگام بلا شرکت بوده است، در وقت فراغ موافقت اولی‌تر."

- (۱) روز شادی همه‌کس یاد کند از یاران یاری آن است که ما را شب غم یاد کنید
- (۲) یاران به روز حادثه برق جهان شوند چون یار شد جهان همگی مهربان شوند
- (۳) در غم و اندوه باشد یار با یاران شریک در نشاط و کامرانی نبود از ایشان جدا
- (۴) جانم ای یاران فدای آن‌چنان یاری که او محنت و اندوه یاری از سر یاری کشید

تالیفی کاظم کاظمی

مفهوم مقابل بیت "خلوت دل نیست جای صحبت اصداد دیو چو بیرون رود فرشته درآید" در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) دیو نشد تا برون، فرشته نیامد حافظ این نغز نکته گفت به دیوان
- (۲) چون دلی از یاد خدا غافل شود دیو اهریمن در آن داخل شود
- (۳) دیوی است درون من که پنهانی نیست برداشتن سرش به آسانی نیست
- (۴) ایمانش هزار بار تلقین کردم آن کافر را سر مسلمانی نیست

مدارس برتر ایران علوم تجربی چهارم آزمون شماره ۱۲ ۱۳۹۵

مدارس برتر ایران ریاضی و فیزیک چهارم آزمون شماره ۱۲ ۱۳۹۵

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) کار دیگر بار دیگر پیش می‌باید گرفت تا به کی در رسم و عادت کار و بارم بگذرد
- (۲) "وحشی" رسوم راحت و آزار باهم است زین عادت بد است که آزار عالمیم
- (۳) در بند رسم و عادت دنیا نبودن است در شهر عشق باشد اگر رسم و عادت
- (۴) گر عادت است رسم تکلف میان خلق ما عارفیم و عادت ما ترک عادت است

تالیفی محسن اصغری

قلمچی علوم انسانی دوازدهم آزمون شماره ۱۲ ۱۳۹۹

قلمچی ریاضی و فیزیک دوازدهم آزمون شماره ۱۲ ۱۳۹۹

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- (۱) نهان گشت آیین فرزندگان پراکنده شد نام دیوانگان
- (۲) اهل فضل و هنر گرفته کران کار دنیا به کام بی‌هنران
- (۳) تو خوش خفته در هودج کاروان مهار شتر در کف ساروان
- (۴) آفتاب اوفتاد در زندان شب‌پره در میان عَلم گردان

آزمایشی سنجش ریاضی و فیزیک چهارم مرحله دوم ۱۳۹۵

ابیات کدام گزینه از نظر مفهوم با عبارت زیر تناسب بیشتری دارند؟

"طلبه جوان، به هنگام برخاستن را می‌دانست، چنان که به هنگام سخن گفتن را."

- (الف) هرکه حرف راست بر تیغ زبانش بگذارد از میان چون صبح صادق زخم کاری می‌برد
(ب) هرکه می‌خواهد که باشد در شمار عاقلان لب فروبندد مگر وقتی که باید دم زدن
(ج) همه‌چیزی به وقت خویش باید که بیگه خواب نوشین خوش نیاید
(د) سخن بی‌تأمل کم افتد صواب زبان را عنان از خطا بازتاب
(هـ) هنگام خوشی، گره گوهر اسرار در وقت سخن، تیغ زبانیم جهان را

(۱) الف - ب - ج (۲) ب - ج - د

(۳) ج - د - ه (۴) الف - د - ه

تالیفی سیدمحمد موسوی

کدام بیت‌ها باهم قرابت معنایی دارند؟

- (الف) جایی که بزرگ بایدت بود
(ب) چون شیر به خود سپه‌شکن باش
(ج) از حسب مرد را شرف خیزد
(د) الا ای یوسف مصری که کردت سلطنت مغرور
(هـ) اگر از مادر دوران همه یوسف زاید
فرزندی من نداردت شود
فرزند خصال خویشتن باش
چیسست فخر شرافت نسبی؟
پدر را بازپرس آخر کجا شد مهر فرزندی
نشیند چو تو بر دامن او فرزندی

(۱) الف - ه (۲) ج - د

(۳) ب - ج (۴) ب - د

تالیفی محسن فدایی

همهٔ ابیات با "بلند آن سر که او خواهد بلندش نژند آن دل که او خواهد نژندش" تناسب مفهومی دارند، به‌جز:

- (۱) یکی را پای بشکستی و خواندی یکی را بال‌وپر دادی و راندی
(۲) از قسمت بندگی و شاهی دولت تو دهی به هرکه خواهی
(۳) تو دهی بی‌میانجی آن را گنج که نداند ستاره هفت از پنج
(۴) غرضی کز تو نیست پنهانی تو برآور که هم تو میدانی

تالیفی ابوالفضل غلامی

کدام بیت با سایر ابیات قرابت معنایی ندارد؟

- (۱) در کارگاه عشق است تدبیر عقل بیکار توفان نمی‌کند گوش تعلیم ناخدا را
(۲) در نمی‌گیرد به ارباب خرد افسون عشق گر نه‌ای بیکار، خون مرده را تلقین مکن
(۳) در دل چو بود عشق نگنجد خرد و عقل در مجلس خاص ملک اغیار نگنجد
(۴) در فروغ عشق نور عقل گردیده است محو وای بر شمعی که در مهتاب می‌آید برون

تالیفی حسن وسکری

قلمچی علوم تجربی یازدهم آزمون شماره ۵ ۱۳۹۹

"هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبه ایمان وصل بود که خوب و بد را به‌عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت."

- (۱) راضی شدی که بیش نجویی زیان ما
- (۲) بیاموز از پیمبر کیمیایی
- (۳) نوری که مشیتش نهان کرد
- (۴) مشو خودبین و خود را نیک دریاب
- این از پی رضای کیان می‌کنی، مکن
- که هر چت (چهارت) حق دهد می‌ده رضایی
- امروز پدید گشت و بارز
- بدان خود را و دانای خدا شو

مدارس برتر ایران علوم تجربی چهارم آزمون شماره ۷ ۱۳۹۵

مدارس برتر ایران ریاضی و فیزیک چهارم آزمون شماره ۷ ۱۳۹۵

عبارت "هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبه ایمان وصل بود که خوب و بد را به‌عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت" با مفهوم کدام بیت، متناسب است؟

- (۱) راهی است راه عشق که هیچش کناره نیست
- (۲) در طریقت هر چه پیش سالک آید خیر اوست
- (۳) هر گه که دل به عشق دهی خوش دمی بود
- (۴) هر چه هست از قامت ناساز بی‌اندام ماست
- آنجا جز آنکه جان بسپارند چاره نیست
- در صراط مستقیم ای دل کسی گمراه نیست
- در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست
- ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست

کنکور سراسری زبان خارج از کشور ۱۳۹۴

کنکور سراسری هنر خارج از کشور ۱۳۹۴

کنکور سراسری علوم تجربی خارج از کشور ۱۳۹۴

کنکور سراسری ریاضی و فیزیک خارج از کشور ۱۳۹۴

قلمچی علوم تجربی دوازدهم آزمون شماره ۳ تابستان ۱۳۹۸

قلمچی علوم انسانی دوازدهم آزمون شماره ۳ تابستان ۱۳۹۸

قلمچی علوم تجربی دوازدهم آزمون شماره ۸ تابستان ۱۳۹۸

قلمچی علوم انسانی دوازدهم آزمون شماره ۸ تابستان ۱۳۹۸

همه گزینه‌ها به‌جز گزینه با بیت زیر قرابت مفهومی دارند.

"به مغرب سینه‌مالان قرص خورشید نهان می‌گشت پشت کوهساران"

- (۱) چون غره افق ز شفق شد شفیق (شقایق) رنگ
- (۲) جهان نه روز بود در شمر نه شب محسوب
- (۳) شکوفه از افق شاخ همچو صبح دمید
- (۴) چو سوی باختر آورد چتر خسرو روز
- بر شاه روم تاختن آورد شاه رنگ
- شفق ز سرخی نیمیش بیرق آشوب
- شفق نگار شد از لاله دامن کهسار
- سپاه شب غلم افراخت زان سوی خاور

تالیفی کاظم کاظمی

همه ابیات به جز بیت با قطعه ادبی رایبندرات تا گور تناسب معنایی دارد.
ممکن / از ناممکن می پرسد: / "خانهات کجاست؟" / پاسخ می آید: / "در رویای یک ناتوان."

- (۱) هرکه چون صائب قدم بر کرسی همت نهاد / می تواند تاج رفعت از سر کیوان گرفت
- (۲) کوه نتواندشدن سدّ ره مقصود مرد / همت مردان برآرد از نهاد کوه، گرد
- (۳) از شکست از کار نفتد هرکه صاحب همت است / تیغ جوهردار چون بشکست خنجر می شود
- (۴) مضمون سرنوشت دو عالم جز این نبود / کآن سر که خاک راه شد از آسمان گذشت

تالیفی محسن فدایی

همه ابیات با یکدیگر قرابت مفهومی دارند؛ به جز:

- (۱) گو برو در پس زانوی سلامت بنشین / آن که از دست ملامت به فغان می آید
- (۲) مترس از جان فشانی گر طریق عشق می پویی / چو اسماعیل باید سر نهادن روز قربانی
- (۳) زبان تیشه با فرهاد گفتا در دم رفتن / که راه کوی شیرین را ز سر باید قدم کردن
- (۴) دل در طلب خنده شیرین تو خون شد / جان در طمع لعل شکرخای تو افتاد

کنکور سراسری زبان خارج از کشور ۱۳۹۸

کنکور سراسری علوم تجربی خارج از کشور ۱۳۹۸

کنکور سراسری هنر خارج از کشور ۱۳۹۸

کنکور سراسری ریاضی و فیزیک خارج از کشور ۱۳۹۸

کدام گزینه مفهومی متفاوت با سایر گزینه ها دارد؟

- (۱) خموشی پیشه کن گر مرد عشقی / که مرغ این گلستان را نوا نیست
- (۲) درنیابد کس زبان عاشقان / زانکه عاشق را زبانی دیگر است
- (۳) مکن روبه بازی شیرمردا / خموشی پیشه کن کاین ره عیان است
- (۴) گر خبر داری ز حی لایموت / بر دهان خود بینه مهر سکوت

تالیفی ابوالفضل غلامی

بیت زیر با بیت کدام گزینه قرابت معنایی دارد؟

"مگو سوخت جان من از فرط عشق / خموشی است هان اولین شرط عشق"

- (۱) گر گوش هوش باشد، در پرده خموشی / صد داستان شکایت، تقریر می توان کرد
- (۲) لاف تقرب مزین به حضرت جانان / زانکه خموشند بندگان مقرب
- (۳) گویاترم ز بلبل لیکن ز غم چو باز / خاموش از آن شدم که سخندان نیافتم
- (۴) میسرمن نشود خامشی که در بستان / نوای بلبل مست از ترنم است و خروش

تالیفی محسن فدایی

- (۱) اسیرش نخواهد رهایی ز بند شکارش نجوید خلاص از کمند
- (۲) به دریایی درافتادم که پایش نمی بینم به دردی مبتلا گشتم که درمانش نمی بینم
- (۳) مرا نتوان به تیغ از درد بی درمان جدا کردن که از هر بند خود با درد پیوندی جدا دارم
- (۴) ز دردش لذتی دارم که از درمان بود خوش تر ز عشق او غمی دارم که غمخوارست پنداری

تالیفی سیدمحمد موسوی

ابیات کدام گزینه باهم قرابت مفهومی دارند؟

- (الف) درون خانه ضرورت چو آتشی باشد به اتفاق برون آید از دریچه دخان (دود)
- (ب) اتفاق است آنکه هر دشوار را آسان نمود و نه از تدبیر یک ناخن گره نتوان گشود
- (ج) گر اتفاق نباشد میان آتش و آب چگونه گشت بر آن عارض آبدار آتش
- (د) اتفاق دوستان باهم دعای جوشن است سختی از دوران نبیند دانه تا در خرمن است
- (هـ) نیست ممکن که ز یک دست صدا برخیزد یار اگر یار نباشد چه کند یاری بخت؟

- (۱) الف، ب، هـ (۲) ج، د، ب
- (۳) هـ، د، ب (۴) ج، الف، د

تالیفی کاظم کاظمی

مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) برگ عیش آماده از فقر و قناعت شد مرا دست خود از هرچه شستم پاک، قسمت شد مرا
- (۲) دل بازنمی آید از آن زلف دلاویز زن یار سفر کرده قناعت به خبر کن
- (۳) بر آن سرم که کشم پای فقر در دامن برم به ملک قناعت ز دست آز پناه
- (۴) خیز و از زاویه فقر، قناعت اندوز تا ز بی برگی انواع تنعم بینی

تالیفی نرگس موسوی

در کدام بیت زمینه حماسه (ویژگی حماسه) با بقیه یکسان نیست؟

- (۱) ببرند خوالیگران خوان زر شهنشاه بنشست با زال زر
- (۲) پراندیشه گفت ای جهان دیده زال به مردی بی اندازه پیموده سال
- (۳) اگر بازگردی بود سودمند نیازی به سیمرغ و کوه بلند
- (۴) بدو گفت سیمرغ کای پهلوان مباحث اندرین کار خسته روان

تالیفی محسن فدایی

"به عصیان سراپای آلوده‌ام سراپا ز آلودگی پاک کن"

- (۱) الهی! ما گنه‌کاریم و از شرم آستین بر رو
- (۲) چو از بی‌دولتی دور افتادیم
- (۳) سرافرازیم اگر بر بنده بخشی
- (۴) تو بخشیدی روان و عقل و ایمان
- کریمی، دامن رحمت بیوشان بر گناه ما
- به نزدیکان حضرت بخش ما را
- وگر نه از گنه سر بر نیاریم
- وگر نه ما همان مشتی غباریم

تالیفی ابوالفضل غلامی

مفهوم همه ابیات به جز بیت باهم قرابت دارند؟

- (۱) تا آینه جمال تو دید و تو حسن خویش
- (۲) نازان به حسن خویشنی هیچ از امتحان
- (۳) روی نکوست آینه حسن جان‌فزایش
- (۴) تو را به آینه‌داران چه التفات بود
- تو عاشق خودی ز تو عاشق تو آینه
- آینه‌ای و آینه‌داری گرفته‌ای؟
- عکس جمال دوست نگر در هر آینه
- چنین که شیفته حسن خویشنی

تالیفی محسن اصغری

مفهوم کلی بیت "جز تو که فرات رشحه‌ای از یم توست / دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش" در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- (۱) در معرکه تفسیر شهادت می‌کرد
- (۲) در دفتر گل ورق‌ورق گوهر بود
- (۳) آن روز اگرچه تشنه بودی اما
- (۴) در ماتم تو سحاب هم می‌گرید
- در اوج عطش داشت روایت می‌کرد
- از اشک سرانگشت نگاهم تر بود
- صد رشته قنات در قنوت تو گذشت
- منظومه آفتاب هم می‌گرید

تالیفی سیما کنفی

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) چنین قفس نه سزای چون من خوش‌الحانی است
- (۲) هوای عالم بالا ز من ربوده قرار
- (۳) تو را چون پر طاووسان عرشی فرش می‌گردد
- (۴) چگونه طوف کنم در فضای عالم قدس
- روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم
- به چار بالش عنصر قرار نیست مرا
- کجا شاید که چون بومان در این ویرانه بنشینی
- که در سراچه ترکیب تخته‌بند تنم

تالیفی مرتضی کلاشلو

- (۱) چرا رزم جُستی ز اسفندیار که او هست رویین تن و نامدار
- (۲) چو ده ساله شد در زمین کس نبود که یارست با وی نبرد آزمود
- (۳) بر او [ضحاک] سال بگذشت مانا هزار به فرجام کار آمدش خواستار
- (۴) فرستاد موبد بدان‌ها سوار شتر خواست از دشت جهرم هزار

کنکور سراسری ریاضی و فیزیک داخل ۱۳۹۸

کدام گزینه با "روح را خاک نتواند مبدل به غبارش سازد زیرا هر دم به تلاش است تا که فرارود" تناسب مفهومی دارد؟

- (۱) روح را در تنگنای جسم کی شادی بود مرغ دام افتاده را شادی در آزادی بود
- (۲) سخن روح است و پیکر جوهر جان سخن را هست مئت بر سر جان
- (۳) روح ما از پیکر خاکی است دائم در عذاب در ضمیر خاک، زندانی چو قارونیم ما
- (۴) روح فلک‌سوار مقید به جسم نیست عیسی سوار مرکب دجال چون شود؟

تالیفی ابوالفضل غلامی

مفهوم بیت زیر، با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟
"خلق چو مرغابیان زاده ز دریای جان"

- (۱) او را مقام و منزل و مسکن چه حاجت است کی کند اینجا مقام مرغ کز آن بحر خاست
- (۲) منزلگه جان است که جانان من آنجاست هر جا که می‌رود همه ملک خدای اوست
- (۳) خیمه در مصر چو پیراهن یوسف زاده‌ایم یا روضه خلد است که رضوان من آنجاست
- (۴) چیست خاک تیره تا باشد تماشاگاه ما جلوه‌ها در نظر مردم کنعان دارم
- سیرها در خویشتن چون آسمان داریم ما

کنکور سراسری هنر داخل ۱۳۹۸

پیام و مفهوم همه ابیات به‌جز بیت یکسان است.

- (۱) به دست خود چنان بستم حنای بی‌نیازی را که همچون پنجه مرجان، دُر از دریا نمی‌گیرد
- (۲) ندارد درخور من باده‌ای گردون مینایی مگر از خون دل لبریز سازم گوهر خود را
- (۳) چون گهر قانعم به قطره خویش نیست اندیشه زیاده، مرا
- (۴) نعمتی چون سیرچشمی نیست در خوان وجود بی‌نیاز از بحر دارد آب این گوهر مرا

مدارس برتر ایران علوم تجربی چهارم آزمون شماره ۷ ۱۳۹۵

مدارس برتر ایران ریاضی و فیزیک چهارم آزمون شماره ۷ ۱۳۹۵

- (۱) عشق داغی است که تا مرگ نیاید نرود
- (۲) از دست و پا زدن نرود کار عشق پیش
- (۳) به چاره سوز محبت ز جان برون نرود
- (۴) شور عشق از دل دیوانه نیاید بیرون
- هرکه بر چهره از این داغ نشانی دارد
- از بحر مشکل است شناور کند گذار
- تبی است عشق که از استخوان برون نرود
- سیل از این گوشه ویرانه نیاید بیرون

تالیفی افشین محی الدین

کدام بیت با عبارت زیر تناسب معنایی ندارد؟

شاید هم در بعضی موارد حق داشتند منزوی شوند؛ چون به هر حال همیشه افراط و تفریط‌های بعضی‌ها، مشکلاتی ایجاد می‌کرد.

- (۱) ز کار زمانه میانه گزین
- (۲) کسی کاو میانه گزیند ز کار
- (۳) تعلیم ز اژه گیر در عقل و معاش
- (۴) تن و جان در خصومت‌اند و سزد
- چو خواهی که یابی ز خلق آفرین
- پسند آیدش گردش روزگار
- چیزی سوی خود می‌کش و چیزی می‌پاش
- عقل را در میان حگم کردن

تالیفی محسن فدایی

ویژگی حماسه در کدام بیت، متفاوت است؟

- (۱) یکایک بیاراست با دیو جنگ
- (۲) درفشی درفشان به سر بر به پای
- (۳) بدو گفت بهرام شاید بُدن
- (۴) نهادیم بر سر تو را تاج زر
- نبد جنگشان را فراوان درنگ
- یکی پیکرش ببر و دیگر همای
- به نیک و به بد رای باید زدن
- چنان هم که ما یافتیم از پدر

کنکور سراسری زبان داخل ۱۳۹۸

ابیات همه گزینه‌ها باهم تناسب مفهومی دارند؛ به جز

- (۱) شکوه عشق هیئات است مغلوب نظر گردد
- (۲) مکن با عشق ای عقل گران‌جان دعوی بینش
- (۳) عقل را بین که همی لاف زند در بر عشق
- (۴) مرد رزم عشق شیرافکن نه‌ای یک‌سوی رو
- که کوه قاف عنقا را به زیر پر نمی‌آید
- که کوه قاف هم‌پرواز با عنقا نمی‌گردد
- شرم از جلوهٔ سیمرغ ندارد مگسی
- ای خرد آزمی آخر تو کجا و جنگ عشق؟

تالیفی کاظم کاظمی

قلمچی علوم انسانی دوازدهم آزمون شماره ۹ ۱۴۰۰

قلمچی علوم تجربی دوازدهم آزمون شماره ۹ ۱۴۰۰

قلمچی ریاضی و فیزیک دوازدهم آزمون شماره ۹ ۱۴۰۰

کدام گزینه با بیت "تو ز قرآن، ای پسر، ظاهر مبین دیو، آدم را نبیند غیرطین" تناسب کمتری دارد؟

- ۱) هرکه در بند صُور باشد به معنی کی رسد؟ مرد گر صورت‌پرست آید بُوَد معنی گذار
- ۲) من غلام نظر آصف عهدم کاو را صورت خواجگی و سیرت درویشان است
- ۳) به گرد حرف چو اعراب تا به کی گردی به ملک عالم معنی نگو و رای حروف
- ۴) معنی طلب که بر درودیوار صورت است مغز است نزد مردم دانا هنر، نه پوست

تالیفی سیدمحمد موسوی

مفهوم کدام گزینه از بقیه دور است؟

- ۱) نهان گشت آیین فرزندگان پراکنده شد نام دیوانگان
- ۲) به یزدان هرآن‌کس که شد ناسپاس به دلش اندر آید ز هر سو هراس
- ۳) شده بر بدی دست دیوان دراز ز نیکی نبودی سخن جز به راز
- ۴) هنر خوار شد جادویی ارجمند نهان راستی، آشکارا گزند

مدارس برتر ایران ریاضی و فیزیک چهارم آزمون شماره ۲ ۱۳۹۴

مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) به‌هرتقدیر اگر تقدیر دست جرئتم بندد به رنگ خون بسمل در چکیدن‌ها جگر دارم
- ۲) تقدیر قطع رشتهٔ تدبیر می‌کند تدبیر ساده‌لوح چه تقدیر می‌کند
- ۳) خود نمردم، این‌چنین تقدیر بود نیست با تقدیر او تدبیر سود
- ۴) تدبیر کند بنده و تقدیر نداند تدبیر به تقدیر خداوند به چه ماند

تالیفی نرگس موسوی

مفهوم کدام بیت با عبارت زیر تناسب بیشتری دارد؟

"سری گفت: وی در کوه ساکن شده است؟ بس کاری نباشد. مرد باید در میان بازار مشغول تواند بود، چنان‌که یک‌لحظه از حق تعالی غایب نشود."

- ۱) از خدا غافل مباش و گوشه‌گیر وقت رفتن از جهان این توشه گیر
- ۲) غافل ز یاد خلق نشود از هجوم خلق باشد میان بحر زند سیر بر کنار
- ۳) هست چون در هر نفس آماده صد نعمت تو را صائب از شکر خدا غافل نشستن خوب نیست
- ۴) از خدا ای دل دمی غافل مباش سر بنه ای دوست بر خط وفاش

تالیفی حسن وسکری

قلمچی علوم تجربی یازدهم آزمون شماره ۵ ۱۳۹۹

- (۱) دژه را تا نبود همت عالی حافظ طالب چشمه خورشید درخشان نشود
(۲) مگر بازوی همت، دستگیر کوهکن گردد وگرنه از دهان تیشه بوی شیر می آید
(۳) تو منگر در نهاد و بنیت من نگه کن در کمال نیت من
(۴) برد هرکسی بار در خورد زور گران است پای ملخ، پیش مور

مدارس برتر ایران علوم انسانی یازدهم آزمون شماره ۱ ۱۳۹۷
مدارس برتر ایران علوم تجربی یازدهم آزمون شماره ۱ ۱۳۹۷
مدارس برتر ایران ریاضی و فیزیک یازدهم آزمون شماره ۱ ۱۳۹۷

همه گزینه‌ها به جز با بیت زیر تناسب دارند.

"رزق هرچند بی گمان برسد شرط عقل است جستن از درها"

- (۱) کودک شیرخوار تا نگریست مادر او را به مهر شیر نداد
(۲) بی کلید این در گشادن راه نیست بی طلب، نان سنتِ الله نیست
(۳) مانع رزق مقدّر نشود در بستن در رجم روزی اطفال، مهیا گردد
(۴) در قبضه سعی است کلید درِ روزی شیر از کشش طفل، ز پستان به درآید

تالیفی ابوالفضل غلامی

مفهوم "مقابل" بیت "به حرص از شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا" در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) مکن به چشم حقارت نگاه در من مست که نیست معصیت و زهد بی مشیت او
(۲) مدام خرقة حافظ به باده درگرو است مگر ز خاک خرابات بود فطرت او
(۳) به حکم مهر تابان اختیاری نیست شبنم را پروبالم تویی چندان که در پرواز می آیم
(۴) او را خود التفات نبودی به صید من من خویشتن اسیر کمند نظر شدم

تالیفی نرگس موسوی

کدام گزینه با عبارت زیر تناسب معنایی ندارد؟

"از شعله / به خاطر روشنایی اش / سپاسگزاری کن / اما چراغدان را هم / که همیشه صبورانه در سایه می ایستد، / از یاد مبر."

- (۱) ماه روشنی اش را در آسمان می پراکند / و لکه سیاهش را برای خود نگه می دارد
(۲) به پای خویش نیفکنده روشنی هرگز / اگرچه کار چراغ است نور بخشیدن
(۳) گریه کنی اگر / که آفتاب را ندیده ای / ستاره ها را هم / نمی بینی.
(۴) بگشای دست و جان و دلت را به یاد دوست ایثار کن روان که درین راه پست نیست

تالیفی محسن فدایی

کدام گزینه با "کز این پس به کنجی نشینم چو مور" که روزی نخوردند پیلان به زور" تقابل دارد؟

- ۱) رزق اگر دارد کلیدی در کف دست دعاست بی سبب ما زور بر پای طلب می آوریم
- ۲) حق سعی تو را وسیله رزق تو کرد بی زحمت چاشت، کس به شامی نرسید
- ۳) به رازق نداری مگر اعتقاد که منت کشی بهر رزق از عباد؟
- ۴) من که هرجا می روم چون مور رزقم با من است روزی خود را چه از خوان سلیمانی خورم؟

تالیفی ابوالفضل غلامی

مفهوم ترکیب "دریای خون" در کدام گزینه با سایر گزینه ها تفاوت معنایی دارد؟

- ۱) آن دشت را که رزمگه تو بود ورا دریای خون لقب شود و کوه استخوان
- ۲) در آن دریای خون، در دشت تاریک به دنبال سر چنگیز می گشت
- ۳) چه دارم هرچه دارم من نشاید آن تو را دانم یکی دریای خون دانم که آن را دیده می گویم
- ۴) که امروز ازین رزم شد رنگ و بوی همه رزمگه شد چو دریای خون

تالیفی حسن وسکری

قلمچی علوم انسانی یازدهم آزمون شماره ۴ ۱۳۹۹

قلمچی ریاضی و فیزیک یازدهم آزمون شماره ۴ ۱۳۹۹

مفهوم مصراع دوم بیت "از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق روز اول رنگ این ویرانه ویران ریختند" با مفهوم کدام گزینه متناسب است؟

- ۱) نیست پروای دل ویران من جانانه را گنج هیئات است آبادان کند ویرانه را
- ۲) نیست امروزی به ما پیوند درد و داغ عشق از ازل "صائب" دل ما آشنای دردهاست
- ۳) خراب حالی من ترجمان عشق بس است که زور سیل ز ویرانه می توان دانست
- ۴) نیست در صومعه عقل به جز فکر معاش گنج بر روی هم افتاده به ویرانه عشق

تالیفی افشین محی الدین

کدام گزینه با عبارت زیر قرابت مفهومی دارد؟
"پدرم دریادل بود؛ در لاتی کار شاهان را می کرد؛ ساعتش را می فروخت و مهمانش را پذیرایی می کرد."

- ۱) شاهی است که در سخاوت صد خسرو است تنها شاهی که در شجاعت صد لشکر است مفرد
- ۲) در شجاعت آدمی هرچند چون رستم بود می شود چون زال عاجز در نبرد احتیاج
- ۳) با فقری در سخاوت بی نظیر عالمم چون دعا با دست خالی دستگیر عالمم
- ۴) ز شرم تنگدستی از گریبان برنیارد سر وگر نه قطره ما همت دریادلی دارد

تالیفی محسن اصغری

- ۱) صدف ز دوری گوهر، چمن ز رفتن گل
- ۲) تو تا برون شده ای از چمن، ز لاله و گل
- ۳) دگر چه طرف ز ایام می توانم بست؟
- ۴) تو رفته ای به غریبی و از پریشانی
- چنان به خاک برابر نشد که من بی تو
- هزار کاسه خون می خورد چمن بی تو
- که صبح عید کند جلوه کفن بی تو
- شده است شام غریبان مرا وطن بی تو

تالیفی ابوالفضل غلامی

- ۱) هر آدمی که کشته شمشیر عشق شد
- ۲) با سوز عشق باشد روشن طریق مقصد
- ۳) در عشق درد خود را هرگز کران نبینی
- ۴) تا روز حشر کم نشود سوز داغ ما
- گو غم مخور که ملک ابد خون بهای اوست
- آتش بلد نخواهد هرگز به راه بالا
- زیرا که عشق جانان دریای بی کران است
- هرگز به یمن عشق نمیرد چراغ ما

تالیفی محسن اصغری

- ۱) من که نتوانم گلیم خود برآوردن ز آب
- ۲) هرکه کار اهل حاجت را به فردا نفکند
- ۳) کمر به خدمت من بسته اند عالمیان از آن زمان که کمر بسته ام به خدمت دوست
- ۴) تا چو یاقوت مگر سنگ تو گوهر گردد سالها خدمت روشن گهری باید کرد
- دیگری را از رفیقان دستگیری چون کنم؟
- روز محشر داخل جنت شود بی انتظار

تالیفی ابوالفضل غلامی

- ۱) بیدل از تسلیم ما هم صید دلها کرده ایم
- ۲) از سر افتاده پابرجاست بنیادم چو شمع
- ۳) گشته تسلیم ره نمایند
- ۴) خباز ز مشیت، نمک از روی تو درخواست
- نسبتی با زلف می باشد سر افتاده را
- نخل تسلیم مرا غیر از تواضع ریشه نیست
- تا چه گردد ز وقت زاینده
- از بهر فطیری که از او قرص قمر کرد

تالیفی نرگس موسوی

کدام بیت با عبارت "هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبه ایمان وصل بود که خوب و بد را به‌عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت." ارتباط معنایی دارد؟

- (۱) گر به آتش بریم صد ره و بیرون آری
- (۲) گر تو آن جور پسندی که به سنگم بزنی
- (۳) آنی که از کرشمه و نازت سرشته‌اند
- (۴) واجب آمد که مشیت نهمت نام از آنک
- زر نابم که همان باشم اگر بگدازم
- از من این جرم نیاید که خلاف آغازم
- نقشی چو تو ز کلک قضا کم نوشته‌اند
- آفرینش ز تو گردید عیان سرتاسر

مدارس برتر ایران علوم تجربی چهارم آزمون شماره ۱۳۹۴۷

مدارس برتر ایران ریاضی و فیزیک چهارم آزمون شماره ۱۳۹۴۷

مفهوم مندرج در آیه {اذهبا الی فرعون انه طغی فقولا له قولاً لینا} از کدام بیت دریافت می‌شود؟

- (۱) جهاندار دارای جوشیده مغز
- (۲) با تو گویم که چیست غایت حلم
- (۳) توی موسی عهد خود درآ در بحر جزر و مد
- (۴) قول من چون قول پاکان روشن است
- نشد نرم‌دل زان سخن‌های نغز
- هرکه زهرت دهد شکر بخشش
- ره فرعون باید زد رها کن این شبانی را
- این زبانی دان که بیرون از تن است

تالیفی مرتضی کلاشلو

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) ز فرد فرد محال است کارهای بزرگ
- (۲) بلی چو مورچگان را وفاق دست دهد
- (۳) مسلّم است که گر در میانه نبود علم
- (۴) قوای چند چو در یک مقام جمع شود
- ولی ز جمع توان خواست هرچه خواهی خواست
- به قول شیخ هژبر ژبان اسیر فناست
- قوای ما همه بی‌مصرف و عمل بیجاست
- به هرچه رأی کند روی فتح با آنجاست

تالیفی کاظم کاظمی

همه گزینه‌ها با "خواستم از رنجش دوری بگویم یادم آمد

عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد" تناسب دارند، به‌جز

.....

- (۱) عجب نباشد اگر تشنه جمال حرم
- (۲) ز عشق تا شدم آسوده زارتر گشتم
- (۳) ما قافله سالار ره عشق بتانیم
- (۴) شیر در بادیۀ عشق تو روباه شود
- ز آب دیده لبالب کند بیابان را
- فزود نشئه این باده از خمار مرا
- در بحر بلا، کشتی ما کام نهنگ بلاست
- آه از این راه که در وی خطری نیست که نیست

تالیفی ابوالفضل غلامی

مفاهیم "ناپایداری دنیا، دعوت به صداقت، بی‌قراری عاشق، صفای باطن" به ترتیب، از کدام ابیات، دریافت می‌شود؟

الف) روی در مسجد و دل ساکن خقار چه سود؟ خرقة بر دوش و میان‌بسته به زئار چه سود؟

ب) شب‌های بی‌توأم شب گورست در خیال و بی تو بامداد کنم روز محشر است

ج) چنان نورانی از فز عبادت که گویی آفتاب‌باند و ماهان

د) زمانه را چو شناسی که چیست عادت او روا بود که کسی تکیه‌بر زمانه کند؟

۱) د، الف، ب، ج ۲) د، ب، الف، ج

۳) ب، الف، ج، د ۴) ب، ج، الف، د

کنکور سراسری هنر داخل ۱۳۹۷

مفهوم بیت زیر با کدام بیت، تناسب دارد؟

"بگفتا رو صبوری کن در این درد بگفت از جان صبوری چون توان کرد"

۱) ای آشنای کوی محبت صبور باش بیداد نیکوان همه بر آشنا رود

۲) صبر کن بر نفس گرم خود ای تشنه‌جگر که چو دل آب شود چشمه حیوان گردد

۳) صبوری ورز اگر خواهی که کام دل به دست آری سرانجام همه کارت بُود از صبر پابرجا

۴) هر آن‌کسم که نصیحت همی‌کند به صبوری به هرزه باد هوا می‌دمد بر آهن سردم

کنکور سراسری علوم انسانی داخل ۱۳۹۶

قلمچی ریاضی و فیزیک دوازدهم آزمون شماره ۸ تابستان ۱۳۹۸

مضامین ابیات، در کدام گروه مشترک است؟

الف) مرا در نهانی یکی دشمن است که بر بخردان این سخن روشن است

ب) فریاد ز دست فلک سفله‌نواز شهزاده به متت و گدازاده به ناز

ج) گهر بی‌هنر زار و خوار است و سست به فرهنگ باشد روان تندرست

د) نهان گشت کردار فرزنانگان پراکنده شد نام دیوانگان

ه) نرگس ز برهنگی سرافکند به‌پیش صد پیرهن حریر پوشیده پیاز

۱) الف، ب، ه ۲) ب، ج، د

۳) ب، د، ه ۴) الف، د، ج

کنکور سراسری زبان خارج از کشور ۱۳۹۸

کنکور سراسری علوم تجربی خارج از کشور ۱۳۹۸

کنکور سراسری هنر خارج از کشور ۱۳۹۸

کنکور سراسری ریاضی و فیزیک خارج از کشور ۱۳۹۸

- (۱) مور بر خوانِ سلیمان خونِ خود را می‌خورد / خرمنِ گل مایهٔ حسرت بُود آغوش را
- (۲) نمرود را از پای درآورد پشه‌ای / بر دشمنِ ضعیف چه رحمت کند کسی
- (۳) با آن دلِ آهن چه کند جوشنِ داوود / کز سنگ برآرد چو شَرّ خردۀ جان را
- (۴) از ضعیفان دستِ طوفانِ حوادث کوتاه است / کشتیِ نوح است هر موجی خس و خاشاک را

تالیفی سیما کنفی

مفهوم مقابل عبارت "بگذار بر پشت زین خود معتبر بمانم
نیامده است؟

- (۱) آسیب جهان بیش رسد گوشه‌نشین را / دامی نبود در ره آن صید که رام است
- (۲) دلم از قیل و قال گشته ملول / ای خوشا خرقه و خوشا کشکول
- (۳) در فراق‌اند زین سفر یاران / این سفر را قرار بایستی
- (۴) اندر آمد به بارگاه خدای / دامنِ خواجگی کشان در پای

تالیفی نرگس موسوی

مفهوم بیت زیر از همهٔ ابیات دریافت می‌شود، به‌جز:

- "نیست جاننش محرم اسرار عشق / هرکه را در جان، غم جانانه نیست"
- (۱) آتش از گرمی افسانهٔ من گوش گرفت
 - (۲) پیام اهل دل است این خبر که سعدی داد
 - (۳) کی به هر نامحرمی چاک جگر خواهم نمود
 - (۴) پیش گل نتوان حدیث روی او گفتن سلیم
- گوش هر خام کجا لایق گفتار من است / نه هرکه گوش کند معنی سخن داند
- من که زخمش را نهان از چشم سوزن داشتم / هرکه گوش‌ی پهن سازد محرم این راز نیست

کنکور سراسری علوم انسانی خارج از کشور ۱۳۹۸

مفهوم بیت زیر با کدام بیت قرابت دارد؟

- "دردی است غیر مردن کان را دوا نباشد / پس من چگونه گویم کاین درد را دوا کن"
- (۱) بی‌درد را چگونه مداوا کند طبیب
 - (۲) کعبهٔ درمان تویی سالک رنجور من
 - (۳) کسی کز زندگی با درد و داغ است
 - (۴) بگذر طبیب از سر درمان درد من
- درد از خدا بخواه و خواص از دوا ببین / درد خود آورده‌ام بهر امید دوا
- به‌وقت مرگ خندان چون چراغ است / بیمار درد عشق ز درمان گذشته است

تالیفی محسن اصغری

قلمچی ریاضی و فیزیک یازدهم آزمون شماره ۶ ۱۳۹۹

قلمچی علوم انسانی یازدهم آزمون شماره ۶ ۱۳۹۹

- (۱) نیست تدبیر خرد را در جهان عشق کار
ناخدا و تختۀ کشتی در این دریا یکی است
- (۲) به چندین پنجه طوق قمریان را سرو نگشاید
که محکم‌تر کند تدبیر، بند آسمانی را
- (۳) نادان دلش خوش است به تدبیر ناخدا
غافل که ناخدا هم از این تخته‌پاره‌هاست
- (۴) مبر پناه به تدبیر از گزند سپهر
که برق تیغ قضا اول این سپر سوزد

تالیفی کاظم کاظمی

قلمچی علوم انسانی دوازدهم آزمون شماره ۱۵ ۱۳۹۹

قلمچی علوم تجربی دوازدهم آزمون شماره ۱۵ ۱۳۹۹

قلمچی ریاضی و فیزیک دوازدهم آزمون شماره ۱۵ ۱۳۹۹

- (۱) از خدا رنج خود و راحت مردم طلبند
مرهم زخم کسان، داغ نمایان خودند
- (۲) کم کنند از خود و افزونی یاران طلبند
رنج راحت شمرند از پی دلداری هم
- (۳) گزیند هرکه سود دیگران را بر زیان خود
به اندک فرصتی "صائب" زیانش سود می‌گردد
- (۴) زخم گر از تو آیدم مرهم روح سازمش
رنج چو از تو باشدم راحت خویش خوانمش

تالیفی کاظم کاظمی

- الف) باش خرسند به قسمت که در این وحشت‌گاه
هست اگر جنت در بسته، دل خرسند است
- ب) ز من به نکته رنگین چو لاله قانع شو
که از برای درودن نکشته‌اند مرا
- ج) نسیم سازد نعمت آماده را چشم حریص
در دل خرسند باشد نعمت بی‌انتظار
- د) با نگاه دور قانع شو که با این قرب نیست
بهره‌ای جز آه سرد از مهر تابان صبح را
- هـ) زان در نظر خلق عزیز است که گوهر
قانع شده از بحر به یک قطره آب است

(۱) دو (۲) سه

(۳) چهار (۴) پنج

تالیفی کاظم کاظمی

- (۱) خون پامال بود شب‌نم گلزار وطن
دهن گرگ بود رخنه دیوار وطن
- (۲) گر رسد دشمنی برای وطن
جان‌ودل رایگان بیفشانیم
- (۳) چون شغالان به لانه‌ات تازند
کم ز مرغ ار نه‌ای خموش مباش
- (۴) و آنکه حب وطن نداشت به دل
مرده ز آن خوب‌تر به مذهب من

تالیفی کاظم کاظمی

(۱) از هر کران بانگ رحیل آمد به گوشم
بانگ از جرس برخاست وای من خموشم (اظهار تأسف و ترس از سکون و بی تفاوتی)

(۲) حکم جلودار است بر هامون بتازید
هامون اگر دریا شود از خون بتازید (لزوم جهاد به پیروی از رهبر)

(۳) جانان من آندوه لبان گشت ما را
بشکست داغ دیر یاسین پشت ما را (همدردی با دشمن)

(۴) فرمان رسید این خانه از دشمن بگیرد
تخت و نگین از دست اهریمن بگیرد (تلاش برای آزادی فلسطین)

تالیفی سیما کنفی

(سنا: فروغ)، (سیرت: باطن)، (توأم: همراهی)، (بسزا: شایستگی)، (فصیح: خوش سخنی)، (اقناع: راضی شدن)، (زنخاندان: چانه)،
(طبع: پیرو)، (ساربان: نگهبانان شتر)، (آرمان: آرزو)، (شیخ: مرشد)، (چابک: تند و فرز)، (سبک سری: حماقت)، (فرط: بسیار)

(۱) شش (۲) هفت

(۳) هشت (۴) پنج

تالیفی نرگس موسوی

عبارت "هر عصب و فکر به منبع بی شائبه ایمان وصل بود که خوب و بد را به عنوان مشیت الهی می پذیرفت" با مفهوم همه ابیات به جز بیت تناسب معنایی دارد.

(۱) زاهدان را زهد و ما را عشق خوبان شد نصیب
هرکسی را در ازل خود آنچه قسمت بود داد

(۲) در طریقت هرچه پیش سالک آید خیر اوست
در صراط مستقیم ای دل کسی گمراه نیست

(۳) روز و شب مهر تو می ورزم و این راز نهان
کس ندانست به غیر از تو خدا می داند

(۴) سر ارادت ما و آستان حضرت دوست
که هرچه بر سر ما می رود ارادت اوست

مدارس برتر ایران علوم تجربی چهارم آزمون شماره ۸ ۱۳۹۶

مدارس برتر ایران ریاضی و فیزیک چهارم آزمون شماره ۸ ۱۳۹۶

"آن چه بود؟ گوهر محبت بود که در صدف امانت معرفت تعبیه کرده بودند و بر ملک و ملکوت عرضه داشته، هیچ کس استحقاق خزانگی و خزانه داری آن گوهر نیافته، خزانگی آن را دل آدم لایق بود."

(۱) گرچه در سینه صد آتشکده آتش دارم
لله الحمد که با سوزش دل خوش دارم

(۲) بار عشقی که از آن چرخ به زنهار آمد
کوه دردی است که بر جان بلاکش دارم

(۳) نرود از سر سودازده تا حشر برون
پیچ و تابمی که از آن طره دلکش دارم

(۴) نکند تیره، غبار غم ایام مرا
مشرربی صاف تر از باده بی غش دارم

تالیفی حسن وسکری

قلمچی علوم انسانی دوازدهم آزمون شماره ۱۷ ۱۳۹۹

قلمچی علوم تجربی دوازدهم آزمون شماره ۱۷ ۱۳۹۹

قلمچی ریاضی و فیزیک دوازدهم آزمون شماره ۱۷ ۱۳۹۹

"بدان شمشیر تیز عافیت سوز در آن انبوه، کار مرگ می کرد"

- (۱) به هر سو که تیغش شرر بر فروخت تن خصم همچون خس و خار سوخت
- (۲) یکی را زخم تیرش کرده بی جان یکی را زخم تیغش کرده بی سر
- (۳) تیغش ز سر دهر برون برده ضلالت تیرش ز دل ملک برآورده ستم را
- (۴) ز چوگان تیغش سر از آن سپاه چو گو گشت غلتان به خاک سپاه

تالیفی کاظم کاظمی

پیام و مفهوم همه گزینه‌ها را به استثنای گزینه یکسان است.

- (۱) چشم اگر با دوست داری، گوش با دشمن مکن تیرباران قضا را جز رضا جوشن مکن
- (۲) سر ارادت ما و آستان حضرت دوست که هرچه بر سر ما می رود، ارادت اوست
- (۳) تویی که هرچه بخواهی، خدات آن بدهد بدان دلیل کزو هرچه خواستی، آن داد
- (۴) همچو چنگم سر تسلیم و ارادت در پیش تو به هر ضرب که خواهی، بزن و بنوازم

مدارس برتر ایران علوم تجربی چهارم آزمون شماره ۷ ۱۳۹۵

مدارس برتر ایران ریاضی و فیزیک چهارم آزمون شماره ۷ ۱۳۹۵

همه گزینه‌ها به استثنای گزینه با بیت زیر تقابل مفهومی دارند.

"ساکن از شیشه ساعت نشود ریگ روان گرچه در جسم بود روح، همان در سفر است"

- (۱) جسم خاکی جان ما را پخته نتوانست کرد خام تر شد زین تنور سرد "صائب" نان ما
- (۲) روح را جسم گران مانع شبگیر شده است جای رحم است به سیلی که زمین گیر شده است
- (۳) بی صفا شد گهر روح ز آمیزش جسم چند این قافله آینه در گل برود
- (۴) داند که روح در تن خاکی چه می کشد هر نازپروری که به غربت فتاده است

تالیفی ابوالفضل غلامی

مفهوم آیه {إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا} در کدام گزینه، دیده نمی شود؟

- (۱) آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه کار به نام من دیوانه زدند
- (۲) نداشت طاقت این بار آسمان و زمین ظلوم ماست که شد حامل امانت عشق
- (۳) هرکه را گویند باشد نوبتی در آسیا آسمان چون نوبت ما را فراموش کرده است؟
- (۴) چون امانت‌های حق را آسمان طاقت نداشت شمش تبریزی چگونه گستریدش در زمین؟

تالیفی سیدمحمد موسوی

عبارت "هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبه ایمان وصل بود که خوب و بد را به عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت." با کدام گزینه هم‌مفهوم نیست؟

- (۱) گر دوست بنده را بکشد یا پیرورد تسلیم از آن بنده و فرمان از آن دوست
- (۲) دست دعا بود سپر ناوک قضا در کار خیر صرف کن اقبال خویش را
- (۳) نبض تسلیم و قضا را گر به دست آرد کسی تیر دل دوز قضا از نی‌شکر شیرین‌تر است
- (۴) گر تاج می‌دهی غرض ما قبول تو ور تیغ می‌زنی طلب ما رضای توست

تالیفی حسن وسکری

قلمچی علوم انسانی دوازدهم آزمون شماره ۲۰ ۱۳۹۹

قلمچی علوم تجربی دوازدهم آزمون شماره ۲۰ ۱۳۹۹

قلمچی ریاضی و فیزیک دوازدهم آزمون شماره ۲۰ ۱۳۹۹

کدام گزینه با بیت زیر تناسب مفهومی ندارد؟

"یک‌بار هم ای عشق من از عقل میندیش
بگذار که دل حل بکند مسئله‌ها را"

- (۱) ما فرورفتیم در دریای عشق و آن‌که عاقل بود بر ساحل بماند
- (۲) قیاس کردم و تدبیر عقل در ره عشق چو شب‌نمی است که بر بحر می‌کشد رقمی
- (۳) آزادی اگر خواهی از عقل گریزان باش سرخیل مجانین شو، سر حلقه طفلان باش
- (۴) چو بر زمانه به‌هرحال اعتمادی نیست نه عاقل است که او تکیه بر زمانه کند

تالیفی سیدمحمد موسوی

در کدام گزینه مفهومی متفاوت بیان شده است؟

- (۱) جان سپارم به خاک پاک وطن دفن‌گردم به زیر خاک وطن
- (۲) تا بود جان گران‌مایه به تن سر ما و قدم خاک وطن
- (۳) وطن‌خواه و ایران پرستنده‌ایم که با عشق ایران‌زمین زنده‌ایم
- (۴) ای وطن، ای تو نور و ما همه چشم ای وطن، ای تو جان و ما همه تن

تالیفی کاظم کاظمی

مفهوم بیت زیر با همه ابیات به‌جز قرابت معنایی دارد.

"رزق هرچند بی‌گمان برسد شرط عقل است جستن از درها"

- (۱) رزق بی‌کوشش نمی‌آید به کف، حرف است این نیم‌نانی می‌رسد تا نیم‌جانی در تن است
- (۲) اینکه روزی بی‌تردد می‌رسد افسانه است پنجه کوشش کلید رزق را دندان است
- (۳) شد به لب واکردنی گنجینه گهر صدف در تلاش رزق آدم بی‌دهن باشد چرا؟
- (۴) من از رسیدن روزی به خویش دانستم که رزق مردم بی‌دست‌وپا خداداد است

تالیفی محسن اصغری

قلمچی علوم تجربی یازدهم آزمون شماره ۵ ۱۳۹۹

مفهوم کلی بیت "جانان من برخیز آهنگ سفر کن" گریغ بارد گو بیارد جان سپر کن" در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- (۱) کجا می‌توانی ز قلبم ربایی
 - (۲) جز از جام توحید هرگز ننوشم
 - (۳) مپندار این شعله افسرده گردد
 - (۴) به خون گر کشی خاک من دشمن من
- تو عشق میان من و میهن من
- زنی گر به تیغ ستم گردن من
- که بعد از من افروزد از مدفن من
- بجوشد گل اندر گل از گلشن من

تالیفی سیما کنفی

همه ابیات به جز بیت گزینه قرابت مفهومی دارند.

- (۱) تکیه بر دوستی چرخ مکن کاین مگار
 - (۲) جهان چون کاروان ریگ دارد فعل در آتش
 - (۳) دولت دهروزه دنیا بود نقشی بر آب
 - (۴) اگر مقام به ویرانه می‌کند سیلاب
- به تو یکرنگ ز نیرنگ نماید خود را
- مکن چون غافلان ریگ روان را تکیه گاه اینجا
- دل به نقش موج در دریای بی لنگر منه
- تو نیز برگ اقامت در این سرا می‌ساز

تالیفی کاظم کاظمی

مفهوم بیت زیر از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

"از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق روز اول، رنگ این ویرانه، ویران ساختند"

- (۱) عافیت می‌طلبی رو سر خودگیر که عشق
 - (۲) دل خواست تا برآید با عشق و بر نیامد
 - (۳) نه مرد عشق او بودی دلا گفتیم و نشیدی
 - (۴) خانه از پای بست ویران است
- قهرمانی است که از دار بود چو گانش
- مردانه رفته باشی با عشق اگر برآیی
- طریق عشق ورزیدی و حال خویشتن دیدی
- خواجه در بند نقش ایوان است

کنکور سراسری ریاضی و فیزیک داخل ۱۳۹۸

همه گزینه‌ها با عبارت زیر تناسب دارند به جز:

"ما دنیای بعدی خود را از روی اصولی که در دنیا می‌آموزیم برمی‌گزینیم. اگر هیچ نیاموزیم، دنیای بعدی نیز تاریک و پر از محدودیت خواهد بود."

- (۱) نپندارم ای در خزان کشته جو
 - (۲) مکن، پنجه از ناتوانان بدار
 - (۳) رطب ناورد چوب خرزهره بار
 - (۴) اگر بد کنی چشم نیکی مدار
- که گندم ستانی به وقت درو
- که گر بفکنند شوی شرمسار
- چو تخم افکنی، بر همان چشم دار
- که هرگز نیارد گز انگور بار

تالیفی ابوالفضل غلامی

- (۱) حکایتی ز دهانت به گوش جان آمد
- (۲) هر دل که شد به گوشه چشم وی آشنا
- (۳) پیش غافل سخن از پند و نصیحت راندن
- (۴) با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی
- دگر نصیحت مردم حکایت است به گوشم
- یک سو نهاد گوش نصیحت‌پذیر را
- هست بر صورت دیوار گلاب افشاندن
- کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست

تالیفی محسن اصغری

قلمچی ریاضی و فیزیک دوازدهم آزمون شماره ۶ ۱۳۹۹

قلمچی علوم انسانی دوازدهم آزمون شماره ۶ ۱۳۹۹

خمشی است هان اولین شرط عشق" در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) قصه آتش دل چون به زبان آرم از آنک
- (۲) تا کی ای عطار گویی راز عشق
- (۳) دل در پی راز عشق دلمرده بماند
- (۴) هزار جهد بکردم که سر عشق بیوشم
- شمع اگر فاش شود سر دلش، بیم دل است
- راز می‌گویی طلب کن رازدان
- وان راز چنان‌که هست در پرده بماند
- نبود بر سر آتش میسرم که نجوشم

تالیفی نرگس موسوی

- (۱) چون گل رعنا خزان را در قفا دارد بهار
- (۲) شانه می‌آید به کار زلف در آشفستگی
- (۳) وقت بی‌برگی کرم با بینوایان خوش‌نماست
- (۴) گره تا می‌توانی باز کن از کار محتاجان
- از ورق‌گردانی باد خزان غافل مباش
- آشنایان را در ایام پریشانی بپرس
- در خزان از بلبلان ای باغبان غافل مباش
- چو بیکاران به ناخن گردن خود را مخار اینجا

کنکور سراسری زبان خارج از کشور ۱۳۹۸

کنکور سراسری علوم تجربی خارج از کشور ۱۳۹۸

کنکور سراسری هنر خارج از کشور ۱۳۹۸

کنکور سراسری ریاضی و فیزیک خارج از کشور ۱۳۹۸

- (۱) گر بو بری زان روشنی آتش به خواب اندر زنی
- (۲) تن را بدیدی جان نگر، گوهر بدیدی کان نگر
- (۳) خود را بیفشان چون شجر، از برگ خشک و برگ تر
- (۴) یک سو رو از گرداب تن، پیش از دم غرقه‌شدن
- کز شب روی و بندگی زهره حریف ماه شد
- این نادره ایمان نگر، که ایمان در او گمراه شد
- بی رنگ نیک و رنگ بد توحید و یک تویی بود
- زیرا بقا و خزّمی زان سوی شش سویی بود

کنکور سراسری ریاضی و فیزیک داخل ۱۳۹۸

- الف) آزادی اگر خواهی از عقل گریزان باش
ب) من و انکار شراب این چه حکایت باشد
ج) یکی از عقل می لافد یکی طامات می بافد
د) عقل اگر داند که دل در بند زلفش چون خوش است
- سرخیل مجانین شو، سرحلقه طفلان باش
غالباً این قدرم عقل و کفایت باشد
بیا کاین داوری ها را به پیش داور اندازیم
عاقلان دیوانه گردند از پی زنجیر ما

- ۱) الف - ج
۲) الف - د
۳) ب - ج
۴) ب - د

کنکور سراسری زبان داخل ۱۳۹۶

قلمچی علوم تجربی دوازدهم آزمون شماره ۵ تابستان ۱۳۹۸

قلمچی علوم انسانی دوازدهم آزمون شماره ۵ تابستان ۱۳۹۸

قلمچی ریاضی و فیزیک دوازدهم آزمون شماره ۷ تابستان ۱۳۹۸

- ۱) جذبه عشق نپیچد به ملائک "صائب"
۲) آدمی کاو ز غم عشق مرا منع کند
۳) عشق از برای زینت انسان پدید شد
۴) بیا که در دل تنگ من از خزینه عشقت
- این کمندی است که در گردن انسان باشد
گر فرشته است، در این وسوسه شیطان من است
محروم از این شرف به یقین دان، فرشته اند
امانتی است که روح الامین نبوده امینش

تالیفی محسن اصغری

قلمچی علوم انسانی یازدهم آزمون شماره ۷ ۱۳۹۹

قلمچی ریاضی و فیزیک یازدهم آزمون شماره ۷ ۱۳۹۹

- ۱) پنهان ز دیده ها و همه دیده ها از اوست
۲) از همگان بی نیاز و بر همه مشفق
۳) نیابد بدو نیز اندیشه راه
۴) جهان جمله فروغ نور حق دان
- آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست
از همه عالم نهان و بر همه پیدا
که او برتر از نام و از جایگاه
حق اندر وی ز پیدایی ست پنهان

تالیفی سید محمد موسوی

"ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می گشاید
آن که در دستش کلید شهر پر آینه دارد"

- ۱) باش که فرعونیان غرق ستم ناگهان
۲) از بشر بُت پرست جدّ تو بُت ها شکست
۳) سوخت ضعیف از ستم پای بنه در میان
۴) نور خدایی، چرا روی نهان می کنی
- خیره شود چشمشان از ید بیضای تو
بت شکن آخر است همت والای تو
تا بکشد انتقام، دست توانای تو
کس نکند جز خدا حل معمای تو

تالیفی ابوالفضل غلامی

- ۱) از دوستان، عهد بسی آزموده‌ام کس را به گاه عهد، وفایی نیافتم
- ۲) در بلا می‌آزمایم دوستان خویش را زر چو از آتش برون آید، نگین را درخور است
- ۳) حاصلی جز بار دل نتوان ز سرو و بید یافت عرض حاجت پیش این بی‌حاصلان بی‌حاصل است
- ۴) در زیر بار قرض نماند کف کریم با دستگیر خلق، خدا یار می‌شود

تالیفی ابوالفضل غلامی

مفهوم عبارت "پدرم دریادل بود، در لاتی کار شاهان را می‌کرد" از کدام گزینه دور است؟

- ۱) وز آن دست تهی پر کرد دائم تهیدستان گیتی دامن از زر
- ۲) رسم دهش ز همت اهل جهان مخواه طفلند و دستشان به دهن آشنا تر است
- ۳) ببخش آنچه دستت بدان می‌رسد گرت دست بخشش به جان می‌رسد
- ۴) در کوی می‌کشان نبود راه، بخل را اینجا ز دست خشک سبو (=کوزه) آب می‌چکد

تالیفی سیدمحمد موسوی

معانی واژه‌های "زبونی، غیرت، جنون" به ترتیب در کدام گزینه درست آمده است؟

- ۱) درماندگی، تعصب، شوریدگی
- ۲) فرومایگی، حمیت، شیدا
- ۳) فرومایگی، رشک، شیدا
- ۴) درماندگی، تعصب، شیفته

تالیفی محسن فدایی

کدام بیت‌ها با عبارت زیر تناسب معنایی دارند؟

- "مردمی که به خانه‌های تاریک و بی‌دریچه عادت کرده‌اند از پنجره‌های باز و نورگیر گریزان هستند."
- الف- در مسیر زندگی هرگز نمی‌افتد به چاه
ب- سر فرو می‌آورد هر شاخه از بارآوری
ج- چند روزی گر به کامم مدعی گردد فلک
د- تو مردمی و دولت مردم فضیلت است
ه- اعمی است گر به دیده معیش بنگری
- با چراغ دین و دانش گر بشر بینا شود
می‌کند افتادگی انسان اگر دانا شود
غم مخور خسرو که روزی هم به کام ما شود
تنها وظیفه تو همی نیست خواب و خاست
آن کاو خطا نمود و ندانست کآن خطاست

- ۱) الف - ب
- ۲) ج - د
- ۳) الف - د
- ۴) ه - ب

تالیفی محسن فدایی

- (۱) من نخواهم کرد ترک لعل یار و جام می زاهدان معذور داریم که اینم مذهب است
- (۲) رقییم سرزنش‌ها کرد کز این باب رخ برتاب چه افتاد این سر ما را که خاک در نمی‌ارزد
- (۳) مست می عشق را عیب مکن سعدیا مست بیفتی تو نیز گر هم از این می چشی
- (۴) وقتی که حرص و شهوت‌خواری کنند بر دل آه ار عنایت تو غمخوار دل نباشد

مدارس برتر ایران علوم انسانی یازدهم آزمون شماره ۱ ۱۳۹۷

مدارس برتر ایران علوم تجربی یازدهم آزمون شماره ۱ ۱۳۹۷

مدارس برتر ایران ریاضی و فیزیک یازدهم آزمون شماره ۱ ۱۳۹۷

مفاهیم "غبطه خوردن بر عاشق، پذیرفتن سختی عشق، فراغت به واسطه عشق، توکل" به ترتیب، از کدام ابیات دریافت می‌شود؟

- الف) اینکه از لغزش مستانه نمی‌اندیشد می‌توان یافت که دل تکیه به جایی دارد
- ب) سمندر سالم از آتش برآید به اهل عشق باشد مهربان درد
- ج) ای که با زلف و رخ یارگذاری شب و روز فرصت باد که خوش صبحی و شامی داری
- د) بند همه غم‌های جهان بر دل من بود در بند تو افتادم و ازجمله برستم

(۱) د، ج، الف، ب (۲) د، ب، ج، الف

(۳) ج، ب، د، الف (۴) ج، د، الف، ب

کنکور سراسری ریاضی و فیزیک داخل ۱۳۹۸

مفهوم کدام گزینه با مفهوم بیت زیر تناسب دارد؟

"دانست که دل اسیر دارد دردی نه دواپذیر دارد"

- (۱) دردی است درد عشق ز جان خوشگوارتر این درد را برای چه درمان کند کسی؟
- (۲) هر درد را که بینی درمان و چاره‌ای هست درمان درد سعدی با دوست سازگاری
- (۳) حافظ اندر درد او می‌سوز و بی‌درمان بساز زانکه درمانی ندارد درد بی‌آرام دوست
- (۴) ای درد توأم درمان در بستر ناکامی وای یاد توأم مونس در گوشه تنهایی

تالیفی افشین محی الدین

زمینه حماسه در کدام بیت با "دریدم جگرگاه دیو سپید"، تناسب دارد؟

- (۱) ز دیبای پرمایه و پرنیان بر آن گونه شد اختر کاویان
- (۲) همه جامه تا پای بدید پاک بر آن خسروی تاج پاشید خاک
- (۳) چنین سال سیصد همی‌رفت کار ندیدند مرگ اندر آن روزگار
- (۴) بسان پلنگ ژیان بُد به خوی نکردی به جز جنگ، چیز آرزوی

کنکور سراسری هنر داخل ۱۳۹۶

- (۱) خدای، کار چو بر بنده‌ای فروبندد به هرچه رنج برد در دسر بیفزاید
- (۲) صائب به گناه دو جهان از کرم او نومید نگردی که خداوند کریم است
- (۳) بلند آن سر، که او خواهد بلندش نژند آن دل، که او خواهد نژندش
- (۴) عزت شاه و گدا زیر زمین یکسان است می‌کند خاک برای همه کس جا خالی

کنکور سراسری زبان خارج از کشور ۱۳۹۸

کنکور سراسری علوم تجربی خارج از کشور ۱۳۹۸

کنکور سراسری هنر خارج از کشور ۱۳۹۸

کنکور سراسری ریاضی و فیزیک خارج از کشور ۱۳۹۸

- (۱) خون‌ریزی ضحاک در این ملک فزون گشت کو کاوه که چرمی به سر چوب نماید (مبارزطلبی)
- (۲) کریم از بهر ریزش می‌نهد رنج طلب بر خود ز دریا هرچه گیرد، ابر گوهر بار می‌ریزد (سخاوت و بخشندگی)
- (۳) در قدمگاه محبت پا منه، بردار دست یا اگر می‌گذاری ترک سر باید نمود (وارستگی در راه عشق)
- (۴) طی صحرای و بیابان نبود شرط سلوک رهرو آن است که در خویش سفرها دارد (توصیه به خودشناسی)

تالیفی محسن اصغری

"از آن به دیر مغانم عزیز می‌دارند که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست"

- (۱) تا که باقی است از تو یک سر مویی سر مویی به عشق سر مفراز
- (۲) از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر یادگاری که در این گنبد دوار بماند
- (۳) هرگز گمان مبر که شود سرد عشق ما عشق آتشی است تا به ابد سرفراز و تیز
- (۴) عشق و بنای عشق نهادند بر دوام یعنی خلل‌پذیر نگردد بنای عشق

تالیفی سیدمحمد موسوی

"ای دوست، ابتدا از بریدن بند اصحاب اولی‌تر."

- (۱) دوست آن است که هنگام گرفتاری دوست از طریق عمل آن غم‌زده را غم‌خوار است
- (۲) ز هرچه هست گزیر است و ناگزیر از دوست چه چاره سازد در دام دل گرفتاری
- (۳) کی کران گیرد ز رنج دوست دوست رنج مغز و دوستی آن را چو پوست
- (۴) دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان‌حالی و درماندگی

تالیفی کاظم کاظمی

"ذوق ادبی من از همان آغاز آشنایی با این آثار پرتوقع شد و خود را بر سکوی بلندی قرار داد."

- ۱) نیست ممکن واشود دلی بی‌سخن‌های لطیف کز نسیم صبح دارد غنچهٔ نسرین کلید
- ۲) سخن‌های ستوار گویی ازیرا که گفتار سنجیده در گوش کردی
- ۳) سخن شیرین همی‌گویی به‌رغم دشمنان سعدی ولی بیمار استسقا چه داند ذوق حلوا را؟
- ۴) از هرچه می‌رود سخن دوست خوش‌تر است پیغام آشنا نفس روح‌پرور است

مدارس برتر ایران علوم تجربی چهارم آزمون شماره ۱۱ ۱۳۹۶
مدارس برتر ایران ریاضی و فیزیک چهارم آزمون شماره ۱۱ ۱۳۹۶

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) تا دل از روی تو شد مطلع انوار مرا چشم خورشید شود خیره ز رخسار مرا
- ۲) آن نه روی است که من وصف مجالش دانم این حدیث از دگری پرس که من حیرانم
- ۳) ز آفتاب روی خوبت، دیدهٔ من خیره گشت خیره گردد دیده جایی کافتاب از رو بود
- ۴) به دیدن تو چنان خیره‌ام که نشناسم تفاوت است اگر راه و چاره را حتی

تالیفی محسن اصغری

کدام بیت با مفهوم آیه {وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا}؛ "همهٔ نام‌ها را به آدم آموخت." ارتباط مفهومی ندارد؟

- ۱) چشم آدم چون به نور پاک دید جان و سرّ نام‌ها گشتش پدید
- ۲) آدمی را او به خویش اسما نمود دیگران را ز آدم اسما می‌گشود
- ۳) خداوندی که آدم را به تعظیم ز راه وحی اسما داد تعلیم
- ۴) به حقّ حرمت اسمای اعظم وجودش در بنی‌آدم غریب است

تالیفی سیدمحمد موسوی

بیت "نهان گشت آیین فرزندگان" پراکنده شد نام دیوانگان" با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

- ۱) جاهل به مسند اندر و عالم برون در جوید به حيله راه و به دربان نمی‌رسد
- ۲) هر آن‌کس که عیبش نگویند پیش هنر داند از جاهلی عیب خویش
- ۳) فرییش نخورده است فرزانه مرد که گیتی چو دامی است پر داغ و درد
- ۴) چو دیوانه گردد نباشد شگفت از او شاه را کین نباید گرفت

آزمایشی سنجش ریاضی و فیزیک چهارم مرحله اول ۱۳۹۵

- (۱) پادشاه عشق بر ملک خرد تا دست یافت
(۲) حدیث عقل در ایام پادشاهی عشق
(۳) پیش ارباب خرد گر کشتی نوح است عقل
(۴) چون متاع دو جهان را به خرد سنجیدم
- ملک را بگرفت سرتاسر خرد بیرون نشست
چنان شده است که فرمان عامل معزول
در محیط عشق موج دست و پا گم کرده‌ای است
از همه حسن تو و عشق خود افزون دیدم

تالیفی کاظم کاظمی

قلمچی علوم انسانی دوازدهم آزمون شماره ۱۹ ۱۳۹۹

قلمچی علوم تجربی دوازدهم آزمون شماره ۱۹ ۱۳۹۹

قلمچی ریاضی و فیزیک دوازدهم آزمون شماره ۱۹ ۱۳۹۹

"هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبه ایمان وصل بود که خوب و بد را به‌عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت."

- (۱) غم ایمان خویش خور که تو را روز محشر امان به ایمان است
(۲) ترک عمل بگفتم و ایمن شدم ز عزلت
(۳) غمگین مباش چون خط بطلان نمی‌توان
(۴) دامن دوست به دست آر و ز دشمن بگسل
- بی‌چیز را نباشد اندیشه از حرامی [راهزن]
بر سرنوشت خویش ز چین جبین زدن
مرد یزدان شو و فارغ گذر از اهرمنان

کنکور سراسری زبان داخل ۱۳۹۵

قلمچی علوم تجربی دوازدهم آزمون شماره ۶ تابستان ۱۳۹۸

قلمچی علوم انسانی دوازدهم آزمون شماره ۶ تابستان ۱۳۹۸

- (۱) چون بوم بدخبر مفکن سایه بر خراب
(۲) همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس
(۳) حافظا خلد برین خانه موروث من است
(۴) همایی تو و بیدرات آشیان است
- در اوج سدره کوش که فرخنده طایری
که دراز است ره مقصد و من نوسفرم
اندر این منزل ویرانه، نشیمن چه کنم؟
مکن خیره بر کرکسان میهمانی

تالیفی ابوالفضل غلامی

- (۱) همان زال کاو مرغ‌پرورده بود
(۲) جهاندار هوشنگ با رای و داد
(۳) سواران لشکر برانگیختند
(۴) چو بشنید گفتار اخترشناس
- چنان پیرسر بود و پژمرده بود
به‌جای نیا تاج بر سر نهاد
همه دشت پیشش درم ریختند
بخندید و پذیرفت از ایشان سپاس

کنکور سراسری ریاضی و فیزیک داخل ۱۳۹۶

قلمچی علوم تجربی دوازدهم آزمون شماره ۵ تابستان ۱۳۹۸

قلمچی علوم انسانی دوازدهم آزمون شماره ۵ تابستان ۱۳۹۸

- (۱) ز قطره هیچ نیاید ولی چو دریا گشت
هرآنچه نفع تصور کنی در او گنج است
- (۲) هزارها گله از گوسفند نادان را
برای تفرقه یک گرگ ناتوان به کفاست
- (۳) ز فرد فرد محال است کارهای بزرگ
ولی ز جمع توان خواست هرچه خواهی خواست
- (۴) بلی چو مورچگان را وفاق دست دهد
به قول شیخ هژبر ژیان اسیر فناست

تالیفی کاظم کاظمی

قلمچی علوم انسانی دوازدهم آزمون شماره ۱۱ ۱۳۹۹

قلمچی ریاضی و فیزیک دوازدهم آزمون شماره ۱۱ ۱۳۹۹

- (۱) دل منه بر اختر دولت که در هر صبحدم
مشرق دیگر بود خورشید عالمتاب را
- (۲) قدم برون منه از دل به سیر باغ و بهار
کدام غنچه این بوستان به جای دل است؟
- (۳) جلوه صبح نشاطش خندهواری بیش نیست
دل منه بر باده پادربکاب زندگی
- (۴) ریختن رنگ اقامت در جهان بی ثبات
در زمین کاغذین، تخم شرار افشاندن است

تالیفی کاظم کاظمی

- (۱) راه عشق است بی نشان ورنه
در ره عقل نقش پایی هست
- (۲) اگر روح است، اگر عقل است، اگر دل
شرار آتش سودای عشق است
- (۳) هست در قبضه تقدیر گشاد دل تنگ
حل این عقده ز سرپنجه تدبیر خواه
- (۴) آسوده است عشق ز تدبیر عقل پوچ
کی شیر تکیه بر دم روباه می‌زند؟

تالیفی افشین محی الدین

- (۱) چو مهر کسی را بخواهی بسود
بباید به سود و زیان آزمود
- (۲) دشمن از دوست، وقت آز و نیاز
جز به سود و زیان ندانی باز
- (۳) فراق افتد میان دولت‌داران
زیان و سود باشد در تجارت
- (۴) به روز حادثه و روز خوش کامی
عیان شود که عیار من و شما چند است

تالیفی سیدمحمد موسوی

- (۱) قسمت خود می‌خورند منع و درویش روزی خود می‌برند پشه و عنقا
(۲) بی‌طلب تو این طلبمان داده‌ای گنج احسان بر همه بگشاده‌ای
(۳) در گنجینه احسان گشادی در آن ویرانه گنج جان نهادی
(۴) از در بخشنده‌گی و بنده‌نوازی مرغ هوا را نصیب و ماهی دریا

تالیفی کاظم کاظمی

قلمچی علوم انسانی یازدهم آزمون شماره ۱ ۱۳۹۹

قلمچی ریاضی و فیزیک یازدهم آزمون شماره ۱ ۱۳۹۹

همه ابیات به جز بیت گزینه قرابت معنایی دارند.

- (۱) جوشن داودی اینجا شاهراه ناوک است سخت‌جانی مانع تیر قضا کی می‌شود؟
(۲) گرفتم عقل محکم کرد کار خویش را ره سیل قضا را سدّ اسکندر نمی‌بندد
(۳) بس مرغ پران بر هوا از دام‌ها فرد و جدا می‌آید از قبضه قضا بر پر او تیر بلا
(۴) ز خط حکم تو حکم قضا نپیچد سر ز طوق امر تو گردون نمی‌کشد گردن

تالیفی کاظم کاظمی

همه گزینه‌ها با بیت زیر تناسب مفهومی دارند به جز:

- "به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی
پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد"
- (۱) به امید اقامت دل به اسباب جهان بستن بود شیرازه از غفلت به اوراق خزان بستن
(۲) در آن گلشن که عمر باغبان از گل بود کمتر زهی غافل که ریزد بر زمین رنگ اقامت را
(۳) ما عبث در زلف او دل بر اقامت بسته‌ایم حاصل سنگ از فلاخن (قلاّب‌سنگ) نیست جز آوارگی
(۴) در ریاضی که بود دولت گل پا به رکاب چه اقامت کند این برگ خزانی که تو راست

تالیفی کاظم کاظمی

مفهوم کدام بیت، متفاوت با سایر ابیات است؟

- (۱) گر دست سائلی به عصایی گرفته‌ای در تکیه‌گاه خلد به دولت سریر توست
(۲) خواهد رساند خانه عمر تو را به آب این آب بی‌قیاس که پنهان به شیر توست
(۳) تقصیر ساده‌لوحی آینه دل است نقشی گر از بساط جهان دلپذیر توست
(۴) نقصان نکرده است کس از گذشتگی شالی اگر دهی به فقیری حریر توست

کنکور سراسری علوم انسانی خارج از کشور ۱۳۹۸

کدام ابیات با "صورت بی صورت بی حدّ غیب ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب" تناسب دارند؟

الف- جلوه گه جمالت در چشم و جان نباشد سودای زلف و خالت در هر خیال ناید

ب- جانم در دل می‌زد، گفتا که: برو این دم با یار در این جلوه، دیار نمی‌گنجد

ج- یک لحظه غمت از دل من می‌نشود دور گویی که غمت را جز از این، رای دگر نیست

د- امروز مرا در دل جز یار نمی‌گنجد وز یار چنان پر شد کاغیاز نمی‌گنجد

ه- دادیم به یک جلوه رویت دل و دین را تسلیم تو کردیم هم آن را و هم این را

(۱) الف-ب (۲) ج-د

(۳) ب-د (۴) د-ه

تالیفی ابوالفضل غلامی

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات یکسان نیست؟

(۱) می‌کند خون در جگر باد خزان را همچو سرو

(۲) دلی که نقش تعلّق به خود نمی‌گیرد

(۳) چون برق فتادیم به خاشاک تعلّق

(۴) آه حسرت می‌کشم چون سرو بهر بندگی

رایت سبزی که از آزادگی افراختیم

اگر به دست فتد، خاتم سلیمان است

زین خاک جلوگیر به یک گام گذشتیم

تا فکند آزادگی در قید رعنائی مرا

تالیفی کاظم کاظمی

مفهوم بیت زیر از همه ابیات دریافت می‌شود؛ به‌جز:

"به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی

پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد"

(۱) رهگذار است این جهان یارا بدو در دل میند

(۲) هر آن عاقل که او بندد دل اندر طاعت یزدان

(۳) چه دل بندی در این دنیا ایا خاقانی خاکی

(۴) زمانه گذران بس حقیر و مختصر است

دل نبندد هوشیار اندر سرای رهگذر

نشاید گر بیبوند دل اندر خدمت سلطان

که تا برهم نهی دیده نه این بینی نه آن بینی

از این زمانه دون برگذر که در گذر است

کنکور سراسری هنر داخل ۱۳۹۸

کدام گزینه با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

"کدام دانه فرورفت در زمین که نرست

چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟"

(۱) خفتگان خاک همچون سبزه از گل سر زنند

(۲) نمانده بس که برآرد ز خاک چرخ بلند

(۳) این شعله که بهر من دل افروخته است

(۴) گم نخواهد گشت در خاک این گرامی تخم پاک

از فضاییت گر وزد بر عرصه گیتی صبا

که را به خاک بیفکند و خاکسار آورد

روید چو گیاه بعد مرگ از گل مست

سبز خواهد کرد دهقان عاقبت این دانه را

تالیفی کاظم کاظمی

قلمچی علوم انسانی دوازدهم آزمون شماره ۱۲ ۱۳۹۹

قلمچی ریاضی و فیزیک دوازدهم آزمون شماره ۱۲ ۱۳۹۹

- (۱) وین عشق تو در من آفریدستند
 - (۲) به داغ عشق اگر سینه را نسوخته‌ای
 - (۳) عاشق به کعبه حاجت خود را نمی‌برد
 - (۴) از بخت تیرگی به گریستن نمی‌رود
- هرگز نرود ز زعفران زردی
در آسمان تو خورشید بی‌زوالی نیست
خاک مرا عشق بود آستان دوست
چون خط سرنوشت که نتوان به آب شست

تالیفی افشین محی الدین

"ببین پسر! تمرین پرواز کار بدی نیست ولی برای تو نان‌و آب نمی‌شود. پسرم فراموش نکن که منظور از پرواز، به دست آوردن خوراک است."

- (۱) بگذر از آلودگی روزگار
 - (۲) آب بقا باد بر او ناگوار
 - (۳) دیده کز او مور شود طعمه‌خوار
 - (۴) باش در ایوان کرم صف‌نشین
- دست از این فضله بشو زینهار
کز پی نان است چو سگ داغدار
چند به هر خوان نهی‌ش کاسه‌وار
ریز چو همیان، دِرم از آستین (همیان: کیسه پول)

تالیفی ابوالفضل غلامی

- (۱) گناه هرکه در عالم پیامرز
 - (۲) بحر الطاف تو بی‌پایان بود
 - (۳) مرا توفیق نیکو بندگی ده
 - (۴) ز نیکو بندگی فارغ‌نهاد است
- وزان پس "اوحدی" را هم پیامرز
نامید از رحمت شیطان بود
دلم را زنده دار و زندگی ده
فروشیمش اگرچه خانه‌زاد است

تالیفی ابوالفضل غلامی

- (۱) به رسته هنر و کارخانه دانش
 - (۲) تا بدانند این همه مردم که نتواند گرفت
 - (۳) به صدق بین و کرم کن که خواجگان کریم
 - (۴) ای دریغا لباس علم و هنر
- متاع‌هاست بیا تا شویم بازرگان
جای دانش را جهالت جای تقوا را ریا
به راستی نظر آرند نی بی‌هنری
ای دریغا متاع فضل و ادب

مدارس برتر ایران علوم تجربی چهارم آزمون شماره ۱۱ ۱۳۹۶

مدارس برتر ایران ریاضی و فیزیک چهارم آزمون شماره ۱۱ ۱۳۹۶

- (۱) پادشاهم که به دست تو اسیر افتادم من از آن روز که در بند توأم آزادم
- (۲) چون کبوتر بگرفتیم به دام سر زلف دیده بر دوختی از خلق جهان چون بازم
- (۳) نه گنج ماند ز خسرو نه تخت ماند ز جمشید نه قصر ماند ز شیرین نه طاق ماند ز کسرا
- (۴) خواهی که مهتری و بزرگی به سربری خالی مباش یک نفس از حال کهتران

کنکور سراسری هنر داخل ۱۳۹۸

"هنگامی که / در فروتنی / بزرگ باشیم / بیش از همه به آن بزرگ نزدیک شده‌ایم"

- (۱) ز سرکشان به بزرگی فروتنی مطلب چه ممکن است خمیدن رسد به گردن فیل
- (۲) فروتنی کن و تخفیف زبردستان باش که رنجهاست به گردن سرفراخته را
- (۳) ز خاک آفریدت خداوند پاک پس ای بنده افتادگی کن چو خاک
- (۴) فروتنی به خدا زودتر کند نزدیک که زود قطع شود راه، چون سرازیر شود

تالیفی محسن اصغری

قلمچی علوم انسانی دوازدهم آزمون شماره ۱۵ ۱۳۹۹

قلمچی علوم تجربی دوازدهم آزمون شماره ۱۵ ۱۳۹۹

قلمچی ریاضی و فیزیک دوازدهم آزمون شماره ۱۵ ۱۳۹۹